

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

پیکار

۶۴

سال دوم - دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۱ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- گسترش حمله رژیم در بانه نشانی دیگر از سازش ناپذیری خلق دلیکرد صفحه ۵
- تهاجم وحشیانه پاسداران به کتابخانه هواداران سازمان در مسجد سلیمان صفحه ۱۵
- مبارزات دهقانان دشت ارزن همچنان ادامه دارد صفحه ۷
- رگبار مسلسل، پاسخ رژیم به دهکده داران زحمتکش صفحه ۱۶
- فریاد علیه محرومیتها در "زورآباد" صفحه ۱۶

تقی شهرام، مبارز خستگی ناپذیر

سألهای خفقان چرا محاکمه میشود؟

۸ صفحه

کودتای آمریکایی، نقش ضد خلقی ارتش

جمهوری اسلامی و حامیان آنرا بیشتر بر ملا میکند

نسخه در صفحه ۲

صادق قطب زاده: طرفدار "پابرهنه ها" یا سخنگوی امپریالیسم آمریکا؟!

مادی قطب زاده و سران امپریالیسم آمریکا در جمهوری اسلامی ایران پس از زکند ارکنفرانس آمریکا شی ژنو (که منظور نفیوت نیروهای آمریکائی در افغانستان و نه انحراف کتائیدن مسازر است) دمکراتیک - صدا میرا لیستی خلیج افغانستان تشکیل شده بود (در یک مباحثه مطبوعاتی سلفانی ایراد نمود که بار دیگر جبهه آمریکا شی اورابه نما بر کدانت وی آشکارا و سخر ما سه رژیم ضد خلقی با کسان، یکی از سر بریده - سرس رژیمهای واسعه امپریالیسم آمریکا در منطقه را بعنوان نخستین خلق ما را زانسانان معرفی نمود و در پاسخ برش یکی از خبرکاران که سوالی س رژیم صناعه الحق انا ره نمود گفت: "... من شما اس موضوع را سوال ندارم (اطلاعات چهار سینه ۳ سرمایه آشکارا دعا کرد که اس آنها ما سی که سه رژیم کسان زده نمودند نفسا ارسوی کمونسهای شماره صفحه ۱۲

یاد نامه رفیق شهید مهدی علوی شوشتری

۱۲ صفحه

گرامی باد سالگرد قیام حماسه آفرین ۳۰ تیر

سعدا زرویدن کودتای آمریکائی (۱) درون ارتش جمهوری اسلامی برهبری فرماندهان یمنین ارتش ملی (ما بعد سپهبد مهدیون و نجفی (۲) نردوده ها و برافروخته شدن شعله های حمتان شست به ارتش اسلامی و کلیه حامیان آنها، هر یک از دو جناح قدرتمند هیئت حاکمه (جناح بنی مدروخناح حزب جمهوری اسلامی) با کزیرتند نسوئی نسبت به ارتش عکس العمل نشان دهد. جناح با اصطلاح لبرالها برهبری بنی صدر کما کان سیاست گذشته خود را نسبت به ارتش، منتهی با توجهات و تمسیرات جدید تر و عوا مغربانه تر، ادا مدها ده و برخط خودبای میخرد. اما جناح مقابل که در اس آن حزب جمهوری اسلامی قرار داره سیاست و عملگر گذشته خود را در مقابل ارتش بنا کسان! "فرا موث" میکند و خواهان "تصفیه هر چه سریعتر ارتش جمهوری اسلامی از افراد پلید و مزدور" میشود و تعرض تبلیغاتی



مبارزه خلق افغانستان و مزدوران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم آمریکا

● چگونه در این مراحل مساوت با اصطلاح مهادان مطلقان افغانی به کار رگان ۵۱ کارگرافعی سهادت رسیدند. صفحه ۹

منتشر شد:

زمانیکه رویزیونیستها به آستانبوسی بوزروازی میروند

تکلمی به مذاکره بهستی و دونن از رهبران سازمان جریکهای فدایی (اکثریت)

سال دوم، هفته ۳۰ تیر ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۱

گزارشی از ترکمن صحرا: «جشن گندم» و رویزیونیستهای سازمان جریکهای فدایی خلق

۵ صفحه

نماینده مبارز کارگران ساکا، همچنان در زندان بسر میبرد

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

گودا...

و حتی عملی سختی را علیه جناح بنی صدر رابطه با ارتش، آغاز میکند و بشدت جناح لیبرالها و شخص بنی صدر را مورد مواخذه و انتقاد قرار میدهد (رجوع کنید به بیاناتی که ما در این انقلاب اسلامی ۵۹/۴/۲۰) و بدین ترتیب جناح مزبور ظاهراً تغییر موضع میدهند. برای اینکه زمینه‌های چنین موقعیتهایی را بهتر مشاهده کنیم و نیز کیفیت و چگونگی این "تغییر موضع" را در این خصوص کا میابیم، ابتدا ما قدری به عقب بر میگردیم و بر سر خوردنیروهای مختلف را به ارتش بویژه بعد از قیام شکوهند بهین ماه مورد بررسی اجالی قرار میدهم. ولی قبل از آن ضروری میدانم اگر چه بسیار فشرده و موجز به ارتش تا هشتا هی بپردازیم. ارتش تا هشتا هی بر چه اساسی و چگونه تشکیل شد؟

ارتش مدخلقی تا هشتا هی در زمان رضا خان قلدر با هدف سرکوبی مبارزات خلقهای ایران و هرگونه جنبش‌ها استعماری و ضد استعماری و حفظ رژیم دست نشانده و منعمور را خانی بطور بلاواسطه شکل گرفت. پس از روی کار آمدن محمد زمانی خاں بجای رضا خان و بعد از تقویت آمریکا بر انگلستان در ایران و احراز نقش سلطه‌گر در حاکمیت اول در میهن ما، سیستم ارتش تا هشتا هی بتدریج شکل آمریکا شد بخود گرفت و عناصر مروتور و رهبری کننده آن نیز طبقاً از میان کسانی انتخاب میشدند که سرپرستی شان نسبت به امپریالیسم جهانی خوار آمریکا بلا حاشیه تشخیص داده میشد. با اسحال رهبری واقعی ارتش بطور کامل ملامت موسی و عربانی را سواً توسط خود آمریکا صورت میپذیرفت. بدین ترتیب بود که ارتش تا هشتا هی در جهت حفظ حکومت دست نشانده و مزدور آمریکا و حفاظت و حرکات از منافع و مطامع بزرگ ارباب رژیم شاه و مزدور باغی نقش میگرد. چرا که اساساً با چنین هدفی ساخته شده بود. و میدانیم که در راه هدفی چنین خا نشانده و جناحیکاران به پلیدترین و وحشیانه‌ترین جنایات نیز دست یازید. این ارتش آمریکا شدی گذشته از زمین ریختن خون دهها هزار ارتش از هموطنان مبارز و ستم دیده‌ها را برای احقاق هدف فوق الذکر، به کشتار خلقهای منطفه، خصوصاً خلقهای قهرمان عمان، و نواحی و بزه‌های مردم زحمتکش و محروم آنها نیز اقدام نمود و با نجات موطایف مدخلقی محول به از طرف ارباب امپریالیستش می پرداخت. این ارتش بمنظور مبارزه با اصلی رژیم سرمایه‌داری وابسته تا هشتا هی نقش خود را به‌سپاری خون دهها هزار هموطنان و خلقهای منطفه و ویرانی و بی‌خانمانی‌های بسیار برای آنها انجام داد و با طرایفی از چنین نقشی بارها و بارها مورد تشویق رژیم شاه و اربابانش قرار گرفت تا اینکه با جنبش سیمان‌سازان و پرتوان خلقهای قهرمان ایران در سال ۵۷ روبرو شد.

برخورد نیروهای مختلف به ارتش قبل و بعد از قیام

ارتش تا هشتا هی، اکنون که در مقابل دریای مواج و طوفانی سوده‌های ملیونی قرار گرفته بود، با بدبهر طریقی رمالت خود را که همان حفاظت از سیستم سرمایه‌داری وابسته و بالطبع منافع امپریالیستها و

علی‌الخصوص امپریالیسم آمریکا بود بخوبی اجرا نماید. و الحاق هم‌کام زهیج جنایات و غیبتی در این راه را خودداری نکرد. اما جنبش توفنده خلق قراقرس و گسترده‌تر از آن بود که با و شگری و کشتار ارتش متوقف شود. در این میان و در برخورد به ارتش بمنظور مبارزه با اصلی سرکوب، برخورد های گوناگون صورت پذیرفت. یکم: برخورد نیروهای کمونیستی و انقلابی بود که ضمن معترف بودن با این امر که بدنه ارتش اساساً ارتزوده‌های اقطاع زحمتکش و متوسط تشکیل شده و در صورت آگاه شدن به همه‌جمله خلق و انقلاب می پیوندند بر روی این مسئله معروضه و با فشاری میگردند که سیستم ارتش یک سیستم آمریکا شدی و سرکوبگرانه است و فرماندهانش را مزدوران آمریکا تشکیل میدهند و اینکه جهت دهنده و تصمیم‌گیرنده در این ارتش نه بدنه آن که سیستم فرماندهی آمریکا شدی است. بر این اساسی سیاست صحیح در مقابل چنین ارتشی ضمن آمادگی کامل جنگی در مقابل آن، افشای مستمر این سیستم و فرماندهان مزدورش، کوشش برای جدا کردن بدنه از این سیستم می‌باشد. بعد از قیام، این سیاست اصولی متناسب با شرایط در شمار "ارتش مدخلقی نیاید با بدگرده" متبلور شد. نیروهای انقلابی و کمونیست خاها را از بین بردن ارتش تا هشتا هی و تشکیل ارتش خلق ارتزوده‌های مبارز و انقلابی خلق و پیرسند انقلابی ارتش بودند. آنها بر این واقعیت پای میفردند که ارتش تا هشتا هی هرگز با یک تقصیر نیم‌بندیک ارتش مردمی نخواهد شد.

دوم: سیاست خا نشانده لیبرالها بود که بنا بر سیاست ما هشتا هی اتخاذ نموده بودند و آن تلاش برای مصالحه و سازش با رژیم جنایتکار شاه و مهم‌ترین ابزار سرکوبش یعنی ارتش تا هشتا هی بود. آنها در حالیکه ارتش تا هشتا هی توان خود به کشتار رتوده‌های قهرمان خلق اشتغال داشت. لیبرالها از طریق افرادی چون بازرگانان، سنجایی و... این سیاست خا نشانده را تا هنگام قیام ادامه دادند. گرچه بدلیل اتوریته و کج‌میت سیاسی و منشی خود موزوزواری مرفه‌ستنی سرچینش، با درخشند سیاست خود را بطور کامل اعمال نمود و هنگامیکه پس از قیام در قدرت شریک شدند تا منبری خود را بکار گرفتند که ارتش را بطور باریک‌باز می‌کنند و مدعی شدند که ارتش نتوانست در مقابل مردم مقاومت کند و الا انقلاب پیروز می‌شد. بنا بر این با بدفرد ارتش یعنی "مردمی" و "انقلابی" را شناخت و فی الواقع نتیجه‌ی گرفتند که ارتش (کل ارتش) باعث پیروزی قیام موزرگونی رژیم شاه شد. و قاحت و خباثت موزوزواری لیبرال بعدی بود که اگر قیام را نتواند ایستادگی نمود و اگر قیام صورت نگرفته بود از آن محدود جناحیکاران نیز جلوگیری میگرد. بهر حال ارتش از نظر موزوزواری لیبرال بعد از قیام همانند قبل از قیام "ملی" و "مردمی" بود و ما تا اینکه بعد از قیام سلام هم آورده و نتایج نظامی شده بود. بر این اساس میبایستی تمام توان و قدرت را بکار می‌انداخت تا ارتش را با رسانی و نماید. زیرا چنین ارتشی از ملرومات نظام سرمایه‌داری وابسته است و چنان نظامی بدون چنین ارتشی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و این چنین هم‌گردولی البته بدلیلی چند که مهمترینش خواست و مفاومت شده‌های خلق و پیرسند انقلابی ارتش بود کاملاً موفق نشد.

سوم: برخورد خرده بورژوازی مرفه‌ستنی برهبری آیت‌الله خمینی به ارتش تا هشتا هی اگر چه برخوردی سازشکارانه بود ولی عیناً ما بتدلیسها نبود اینها در حالیکه اکثریت عظیم توده‌های خلق را بدنبال داشتند و قوتوانائی یک برخورد اصولی و انقلابی نسبت به ارتش شاه بودند و در حالیکه ارتش از کشته‌های خلق پشته میساخت آنها خواش میگردند که چنین نکنند و آنرا مورد انتقاد قرار میدادند: "ما بتوکل می‌دهیم توبه ما کلوله"؟ رهبری جنبش بدون آنکه کوچکترین اقدامی در جهت تسلیح توده‌ها بعمل آورد، حتی با نفع مختلف توده‌ها را از مبارزه مسلحانه بر حذر میداشت و ارتش تا بن دندان مسلح را بر ارتزوده‌های خلق می‌خواست. اما فرقی با لیبرالها این بود که خواهان سرنگونی رژیم سلطنتی بود و نمیخواست با فرماندهانی سازش‌کننده که مفاقت رژیم سلطنتی بودند. خرده بورژوازی مرفه‌ستنی خاها را آن بود که ارتش از سلطنت دست بردارد (و فقط همین). بهمین دلیل هم‌زمانیکه ارتش تسلیم شد (بدلیل مبارزه توده‌ها و ایضا سیاست آمریکا در بر جلوبگیری از مملاتی شدن کامل ارتش) مسئله از نظری خا شمه با فته تلقی شد. ارتش بنا گهان تغییر ماهیت داده و "ملی" شد و بدلیل "ملی" شدن و اسلامی شدنش رعایت سلسله مراتب (سلسله مراتب آریا مهری) ضروری و واجب شد. خرده بورژوازی اگر تا زمان قیام علیرغم نزلت سیاست‌ها بش کم بیش مهر خورادانت بعد از قیام خصوصاً در مورد مسئله ارتش پیرو موزوزواری لیبرال گردید و سیاستهای آنرا مورد تأیید قرار داد. از همین روست که ما می‌بینیم فرماندهان مزدوری که از جانب لیبرالها برگزیده می‌شدند، عناصری چون قهرنی‌ها، فلاحی‌ها، شادمهرها، باقری‌ها، علوی‌ها و... مورد سوءبیت ناموسا مخرده موزوزواری مرفه‌ستنی قرار میگرفت و اطاعت و فرمانبرداری از آنها واجب میگشت. زیرا اینها دیگر هر دو نیرو کمربند ساز نظام سرمایه‌داری وابسته، ستم‌دو بودند. برای ترمیم و بازاری نظام موزوزواری جلوبگیری از مواج طوفانی توده‌ها و به کنترل در آوردن آنها ضرورت ارتش با زاری و بکار انداختن آن فرود گذارنگردند.

اما سیر زمان و تشدید اختلافات دو جناح قدرتمند هشت حاکم (جناح حزب جمهوری اسلامی و جناح با مصلاح لیبرالها) این امر را برای حریف لیبرالها مسلم ساخت که ارتش بطوریکه را پذیر می‌تواند به لیبرالهاست و خاها را پیسرد سیاست‌های آن میباید. این بود که تلاش زیادی را انجام داد تا بلکه بتواند ارتش را بدست بیاورد. تشکیل انجمنهای اسلامی درون ارتش و... از جمله کوششهای همین جناح است برای دست انداختن به ارتش. لکن وقتی با مقاومت تشدید لیبرالها در زمان بازرگان و خصوصاً در زمان بنی صدر روبرو شد، بویژه بعد از انتمصاب بنی صدر به فرماندهی کل قوا از طرف آیت‌الله خمینی به تقویت با درازان و کمیته‌ها هشت گماشت و این حرکت در جهت دست اندازی به ارتش (البته تا حدی که بزم خود به کل منافع هشت حاکم لطفه ایوارد تا بعد از کودتای آمریکا شدی اخیر که مشخصاً و در درجه اول این جناح را نشانده ترفه بود بطور بسیار زیاد تشدید شد.

بقیه در صفحه ۱۱

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



توطئه جدید اخراج کارگران ماشین سازی

کارگران مبارز! اخبار آخرفرمانی مزدور طبقه ای حطابسه کارگران ماشین سازی یک بار دیگر چهره مدکارگری آریسان خود رژیم جمهوری اسلامی را بنمایانند. اطلاعیه از کارگران مبارز ماشین سازی (که در بنگسال گذشته با مبارزات حق طلبانه خود، همچون خاری در چشم دشمنان واقعی کارگران هماسدخارفانی هابودند) میخواهد طرفیک هفته (که بعدا به یکماه تمدیدشند) برای به اصطلاح تکمیل کردن پرونده شان مدارکسی از قبیل برگ سو، پیشینه! ارضایت نامه از کارفرمایان قبلی!! سوابق کارکرد قبلی، میزان تحصیلات و سایرک با بیان خدمت را ارائه دهند.

همچنین اطلاعیه ادامه میدهد که ما بخدمت کارگران پیمانکار ربهای مجتمع فولاد فقط زمانیکه زیر پوشش صنایع فولاد درآمده اند مورد قبول است و سوابق قبلی از آن راکارگران باید از پیمانکاران قبلی دریافت کنند.

با این ترتیب ابعاد طرح توطئه جدیدی برای اخراج تعداد زیادی از کارگران ریخته نشود و سپس با اعلام برنامهمخود در مورد حقوق اخراج طرح توطئه کامل میگردد.

کارگران مبارز! همه میدانیم که برای استخدا مدر رژیم کارگری وابسته به امپریالیسمنا هاشن هم همین مدارک را از کارگران میخواهند. آنها سو، پیشینه و رضایت نامه کارفرمای سابق راجه مدارک استخدا قرا میدادند تا محیط کار را هر چه بیشتر به محیط امن برای مکیدن خون و غارت زحماتشان تبدیل کنند. کارگران مبارز را اخراج و از استخدا مدر سر تا سر کور جلوگیری بعمل آورند. تا هر کارگری ادا مه زندگی خود را در دست آوردن رضایت کارفرمایان مزدور جستجو کند. آنها همچنین برگ پایان خدمت را میخواهند استندنا هسه را مخپور به خدمت در ارتش جنا پیکار رو وابسته به امپریالیسم و ادارا سازند.

و اینک رژیم جمهوری اسلامی که کارنا مه ۱۶ ماهه اش چیزی جز سرکوب و کشتن کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز ایران نبوده است با بهره گیری از مهره ها و مزدوران رژیم گذشته همچون خارقانی هابا درجا پای رژیم سابق گذاشته و از این طریق کارگرانی را که در گذشته با سرما به داران زالی و صفت و دولت حامی آنها مبارزه کرده زهر بار رقتنا روز و رگوشی آنها نفرستند شناسائی کرده و اخراج کنند. خواستن برگ رضایت از کارفرمایان قبلی نابدیده گرفتن مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و با بسال کردن خون دهها هزار شهید است که در راه سرنگونی رژیم سابق ریخته شده است کدما کارفرمای مزدوری در زمان شاه خاشن از مبارزات کارگران سر علیه خود را با دست جمع آوری اطلاعاتی در مورد میزان سواد و کار با بیان خدمت کارگران به همراه اساتل فوق نشان میدهد که با دیدگر خارفانی مزدور توطئه اخراج گروه

احمد رضا کریمی حصاری دبیر مبارز سندیکای کارخانه ساکا همچنان در اسارت به سر میبرد

طور جدی تری علیه سندیکای کارخانه توطئه چینی کند چندی پیش افراد دیگری بعنوان هیئت مدیره برای کارخانه تعیین میشوند. اما چیزی نمیگذرد که اختلاف بین آنها و سندیکا بالا میگردد بطوریکه کارخانه را به خود میگیرند. دادستانی انقلاب سرخورد مذکور را بهانه قرار داده و در تاریخ ۵۹/۳/۱۱ طی نامه ای از سندیکا میخواهد که برای پاره ای مذاکرات به دادستانی مراجعه کنند. اما در محل دادسرای انقلاب بجای مذاکره با نمایندگان سندیکا، آنها را دستگیر می نمایند.

دستگیری اعضا سندیکا اعتراض یکپارچه و خشم و نفرت کارگران را به همراه میآورد. بطوریکه تحت فشار آنها ابتدا پنج نفر از اعضا سندیکا و پس از ۱۵ روز منتهی سندیکا آزاد میشوند. ولی دبیر سندیکا احمد رضا کریمی حصاری را همچنان در زندان نگاه میدارند. مقامات دولتی برای پراکنده کردن کارگران به بهانه تعطیل تا بستنی اقدام به تعطیل کارخانه میکنند. اما کارگران تقریبا همه روزه اجتماع کرده و با رهبران و هیئت مدیره و اعتراض یکپارچه خود موفق میشوند توطئه تعطیل کارخانه و گرفتن تعهد برای بازگشتن به سرکار را احتمالاً اخراج تعدادی از کارگران را خنثی کنند. این کارگران همچنان همراه خود سوار آزادی نمائند خود میباشند.

آری رژیم کارگر جمهوری اسلامی که از تشکیل بقیه در صفحه ۱۵

نماینده زندانی، آزاد باید گردد

سندیکای کارگران کارخانه ساکا از پسند از تشکیل ندشتن هموارده در معرض توطئه ها و تهدیدهای مدیران، سرپرستان و عوامل مزدور کارفرما قرار داشته است. عوامل فدکارگر برای بی اعتبار ساختن این سندیکا در میان کارگران به اقدامات گوناگونی دست میزنند. مثلا یکبار با انتشار اعلامیه ای بسسه امضای گروهی از کارگران جاده کرج چند مورد اتهامات ساختگی را به دبیر سندیکا، احمد رضا کریمی حصاری نسبت میدهند. اما هر بار توطئه های آنها با هشیاری کارگران خنثی میشود و امتداد آنها نسبت به سندیکای خود بیشتر میگردد. تهدیدات و اعمال فشارهای حزب جمهوری اسلامی هم (بخصوص در موقع کاندیداتوری احمد رضا کریمی برای مجلس شورای ملی) را به جاسوسی نمی برد.

چند ماه پیش وزارت صنایع و معادن چند نفر را بعنوان نماینده کارخانه ساکا اعزام میدارد. این مدیران با سندیکای کارخانه به سرپرست و کنترل آنها برخوردی به مخالفت برمی خیزند. اما با علت حمایت کارگران از سندیکای خود چنان منزوی میشوند که سپس از مدتی استقا میدهند و بی اعتمادی قدرت کارگران و سندیکا را عامل نظارت سرکار میشناسند. استخفا مدیران مذکور و قدرت گیری کارگران و بخصوص سندیکای آنها برای رژیم که نسبت به هر گونه تشکل و اعمال قدرت توده ای کینه و دشمنی عمیق دارد، بزرگ تر است. از اینرو آنرا به بعد میگویند ظرفیت وزارت کار، شورای پیگیری انقلاب و...

اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

آنگاه این کارگران مبارز به منظور حمایت از رفیق خود در مقابل سرما به داران زالی و صفت دست از کار کشیده و اعلام میکنند "تا وقتی اوسر کار برنگردد ما هم کار نمی کنیم" این عده آنگاه در محوطه شرکت اجتماع کرده و دست به نظاره میزنند. سرکارگر مزدور که از اتحاد و همبستگی کارگران به وحشت افتاده بود، از آن قسمت می گریزد. سرانجام پس از یکروز امتحان و مذاکره با مدیر شرکت، کارگران موفق میشوند رفیق خود را بسر کار برگردانند.

بدین ترتیب آنها پیکار دیگری به تجربه در مییابند که در مبارزه با سرما به داران و عوامل ملشان اتحاد و یکپارچگی کارگران و حمایت متقابل آنها از یکدیگر یکی از عوامل مهم پیروزی است. "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"

حدودش ما همیشه یکی از کارگران قسمت بشکته آری نفت پارس به علت بیماری و به تشخیص پزشک بیمه رای چند ماهه برگه استراحت میگردد. در تاریخ ۴/۱۸/۸۰ نگامیکه کارگر مذکور به کارخانه مراجعه میکنند سرکارگر قسمت ازوردا و جلوگیری کرده و میگویند: "توق ارگردن نداری کارگر اعتراض کرده و با مراجعه مجدد به دکتر برگه گواهی ای میگردد که لزوم استراحت برای وراد را این مدت نشان میدهد. اما سرکارگر با دشمنی اردیگر به بیانه نبودن دستگا به سر خالی ازوردا و به سرکار جلوگیری بعمل می آورد. کارگران قسمت شکسازی که از اینگونه وقاحت سرکارگر بیخشم آمده بودند می گویند: چطور وقتی که بیمار نیستیم سرکار ما را می کشند ولی وقتی در ارتش راکار در جبار بیماری می شویم ما را مثل دستمال کهنه دور میزنند؟! "

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

جاودان باد خاطره شهدای کارگر مبارز نشت جنوب (۲)

در این شماره از یادگارهای جاودان و نامیرا که در ۲۳ شهریور ۱۳۳۰ در خاکی خاک سپرده شدند، یادگاری است که در تاریخ مبارزانه ما جایگاه ویژه دارد. در سال ۱۳۳۰ در روزی که ارتش مابغی با سربازان و انگلیس خلع بپوشیدند (۲۹ خرداد ۱۳۳۰) و محسین مفتحی تدریجاً صنعت نفت را به ریزی دکتري محمد مصدق به سرور رسیده بود، امیرالسلطنه آمریکا لانی میگردید با انواع فشارها و وعظنها موجب تعیین حکمگیری برای خود در ایران شد. وی تاکید را بر سرود دولت ملی و لیبسی سازگار مصدق را از جهات مختلف تحت فشار قرار میداد. روز ۲۳ شهریور ۱۳۳۰ روزی بود که "اول هرمنس" نماینده رئیس جمهور وقت آمریکا برای مذاکره با دکتري مصدق در راه نشت به ایران می آمد. از طرف دیگر "جمعیت ملی مبارزان شرکتها" استعاری نشت

بیشتری از کارگران را طرح کرده است. ولی اینبار با لیبس دیگر چون "خراج" کارگران تحت عنوان ضد انقلاب و اخلالگرو با عدم جناح هر روز با عت حشیم بیشتر کارگران میشد. پس لازم بود تا "خراج" کارگران به شکل دیگری درآید و اطلاعیه فوق نشاندهنده طرح جدید نوطنه "خراج" است.

ما قبلاً طی اعلامیه ای در تاریخ ۱۶/۱/۵۹ هجری قمری دادیم که "خراج" کارگران مبارز مقدمه "خراج" تعداد بیشتری از کارگران است "و اینکه باید بگردید این موردی که کارگران هندا میدهم برادران کارگرا! انعامی نیست که رژیم جمهوری اسلامی همان سیاستهای ضد کارگری شاه را در پیش گرفته است زیرا که اینها نیز در عمل تمام بلائین خود را در جهت حفظ و نگه داری همان سیستم کمدی سرمایه به داری وابسته نگار گرفته اند و برای نجات این سیستم پیوسته دست به هر کاری نظیر "خراج"، سرکوب و دستگیری کارگران مبارز میزنند. اینکه در صورتی برادران کارگران بسیاری "خراج" شده و با در معرض "خراج" قرار گرفته اند نمونه اش ۱۸۰۰ کارگری سیزده سوزن محمد سلیمان ۴۵۰ کارگر با مرود آغا جاری و با ۴۰۰۰ کارگر شرکتها ی دی و کیلاد سیمان نوشتر...

کارگران مبارز! همانطور که تا به کردیم خارقانی مزدور در اجرای سیاستهای همتا که جهت "خراج" و بیگار کردن کارگران در محممع فولاد نادرک وسیعی دیده است. بگوئیم با فتنه سرکردن معوف خود با انعاماب، تحسین در نظرها ن نوطنه های هشت حاکمه را افتنا و خشتی ناریم. کارگری بیوزرات سرمایه داران بود است! مرگ بر امیرالسلطنه آمریکا دشمن اصلی خلفهای ایران!

خارقانی مزدور! این سوکرا امیرالسلطنه "خراج" باید دیگر داد!

۵۹/۴/۱۹
سفل از اعلامیه گروهی از کارگران مبارز محممع
سابع فولاد - احوار

در ایران (و او سنده حزب بوده است منظور تر کرد است سالگرد شهدای ۲۳ شهریور ۱۳۳۰). زحند روز فصل با اعلام را خشمناکی ارمندها ن فردوسی بطرف مندان بهاریسان استرور را زور شهیدی جورسان اعلام کرده بود. اما کارگرا زور حشمتان همراهان روستفکیران انقلابی آرا به زورسان خشم و نفرت خود نسبت به امیرالسلطنه های خباثان را زیندل کردند.

از سوی دیگر در ایام سرودهای ارتجاعی، مانند حزب زحمتکشان بقاشی "سرسنگار" ششسته و تحریکات کسندوهای را برای سرکوب این نظرها ت مدا میرا - لیبسی نذارک دیده بودند!

معوف منظم بظواهر کسندگان اذ اشگاه تهران به مندان فردوسی انعطاف ملی حرکت و راهشمانی) و از آنجا بطرف بهاریسان بحرکت درآید، اما قبل از آنکه نظا هر کسندگان مندان بهاریسان نرسند، از کوجه های فرعی "شاه آباد" موردتها حم چما فداران قرار میگیرند، و همزمان با آن شورش و خشا به ما مورین بهاریسانی و سرودهای سرودز آرا میگردند.

سل جمعیت در زیر سرکرا رگلوله مزدوران مندان بهاریسان میرند. اولین بغری که قطعنا مندا منخواند تا کلوله محروح مشدودا مدها به دیگری می میرد قطعنا به خوا نده مشدودا نیکها برای کسرا مردم به حرکت درمی آند و هر آنچه را که در مسیر خود می یابند درهم میکشند، جز غیرا سوار ران و مردان قهرمانیکه به مفا و متاسفانه بودند. در آنروز دختر دلاوری در سرازیرگی از نایکهای اسیدو به آن فرمان است شده، اما تا یک از روی پای ارکسندر دونه هر دو پای او آسیب میرساند.

در نظرها ت استرور را دنگر سگرفتن خبا ناینها از خون خلق رزمنده ایران کلگون شد و سرگ دیگری بر دمتر جنايات عمال امیرالسلطنه افروخته گشت.

حزب بوده مسئولیت این کسرا را بعهده دولت دکتري مصدق گذاشت و در زور را به رسا خنر خلق ۳۰/۴/۳۰ شونت که دولت مصدق "مخواست سوکری و اطاعت خود را نسبت



به امیرالسلطنه آمریکا انعاما خودسان دهده که او را وظلما به خا صرات ملت را کسرا کند تا مورد بیسنایی رسوم (رئیس جمهور وقت آمریکا) قرار گیرد. ولی دکتري مصدق صم کوهش اعمال ما مورینس انظامی، دربار و شخصها را مسئول این کسرا اعلام کرد و دولت را میرا داد است.

واقعیت این است که در جنايات و خشا به ۲۳ شهریور، سرودهای ارتجاعی نظیر دربار، ارتش، پلیس و غیره سرودهای ارتجاعی درون جنبه ملی مانند "حزب زحمتکشان" دکتري بقاشی که از طرف قدرتها امیرالسلطنه می حمایت میشدند، دخالت داشتند. این سرودها تلاش می کردند تا از هر فرضی برای سرکوب خشتن توده ای و همجنین برانداختن حکومت مصدق بهره گیرند. اما بیان واقعیات فوق نشان میدهد ما را از توجه به این حقیقت که سیاست دکتري مصدق در رابطه با آمریکا سرتار از توهملیبیرانی بود، بازدارد. مصدق در این رابطه می بیند که نمیتواند از تمام دین آمریکا انگلستان برای حل مسائل ایران (و در واقع حل مسئله بورژوازی ملی) استفاده نماید. محور عمده تر سرپرده آمریکا در کاسه مصدق (ما نند کسرا مبنی) استرور در رابطه همین سیاست بود. و با زور در رابطه همین سیاست بود که جنبه ملی خا مرمندان "هرمنس" اگر چه به قیمت کسرا خلق (بدست ارتجاع)، استعمال نماید آنها در اینها آنها پیش رفتند که حتی سرکوب توده های معترض به این سیاست را منتفی نمیدانستند. مثلاً مصدق با وجودیکه حادثه مذکور را محکوم می کرد ولی با این خود می گفت: "من به نام ما مورین کستم که شما می با بست بغدراکای قوه اذ نشتما شید. شما نمیبایست تلیک کنید مگروقتی لازم آید شما با اجازه..." (از سخنرانی مصدق در مجلس شورای ملی، اطلاعات ۱۷/۶/۳۰) کارگرا ن وزحمتکشان که در روز ۲۳ شهریور ۱۳۳۰ جان با خشتند درست به همین سیاست بورژوازی و شایش - کارانه جنبه ملی اعتراض داشتند. آنها در حالیکه با دفعای کارگرا ن را که ۵ سال قبل بدست عمال امیرالسلطنه به شایسته بودند، گرامی میدادند، خود در راه مبارزه با امیرالسلطنه جانشان را تقدیم خلقهای ایران کردند.

اگر چه ادا به سیاست سازشکارانه جنبه ملی با ارتجاع (عدم تلاش برای حل مسئله ارضی و ناسودی سیستم فئودالی و سرکوبی سلطنت و...) و امیرالسلطنه (با رگداشتن دست امیرالسلطنه آمریکا برای نوطنه چینی و...) منجر به ناسودی آن گشت و ضربه مهلکی بر مبارزات خلق ما وارد سراجا مدر غلشیدن به منحلاب خبا نشت و فرار از کسرا خلق و تسلیم بدشمن... و علانقش همدست بورژوازی را بازی کرد، اما خلق های قهرمان ما با بهره گیری و کار بست نغاری که ارمنان رزات خونین خود بدست آورده بودند، نشت بساط سلطنت سنگین پهلوی را برچیند و ضربات مهمی بر بیگرا امیرالسلطنه وارد آورد. اما زحمتکشان ما و در زور اس آنها طبقه کارگرا ایران برای رسدن به حکومت دلخواه خویش راه درازی در پیش داشتند. زیرا که همچنان ارتجاع و امیرالسلطنه حضور دارند و دستم و استثمار طبقاتی ادا مدها دارد.

درد و سر شهیدی ۲۳ شهریور ۱۳۳۰ و ۱۳۳۰
مرگ بر امیرالسلطنه و حامیان دا خلیس

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلقها و مسئله ملی



گزارشی از ترکمن صحرا:

« جشن گندم، و روزیونیستهای سازمان چریکهای فدایی خلق

فعل برداشت گندم که از اواسط خرداد ماه آغاز شده بود اکنون بیابان رسیده و خلق ترکمن بمناسبت پایان برداشت محصول گندم مطابق آداب و رسوم ملی خود جشنی بنام "جشن گندم" برگزار میکنند. امسال از آنجا که گاشت و برداشت گندم، بصورت شورائی انجام شده بود، این جشن از اهمیت و ارزش والاتری برخوردار بود چرا که براساسی میتوانست و میبایست جشن سیاسی بوده باشد. بهمناسبت برداشت و بردن آزار خونین خلق ترکمن باشد. اما بعلاوه کمیت سیاست روزیونیستی سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) بر قسمت اعظم بوده های ترکمن، که هنوز از تسلط این سازمان بخوبی آگاه نیستند، جشن گندم امسال از محتوای انقلابی و توده ای محروم بوده و خط سازشکاری و تسلیم طلبی در برتوان نمودار بود.

گزارش زیر تحلیلی است بر این خط سازش و تسلیم طلبی و روزیونیستهای سازمان چریکها، از آغاز تا پایان مراسم جشنهای ترکمن صحرا:

"جشن گندم" امسال در دو نقطه برگزار شد. جشن اول در روز جمعه ۱۳ تیر بدو اتحادیه روستائی توماج (بی بی شیروان) در روستای "بلمه سالیان" (زادگاه رفیق شهید توماج در خنده) برگزار گردید که در آن حدود ۳ هزار نفر از ترکمنها، معدودی از زابلی ها و عده کثیری از دانشجویان و روشنفکران دیگر نقاط کشور، شرکت داشتند. جشن دوم در روز جمعه ۲۰ تیر بدو اتحادیه روستائی جرجانی (با تار علیا) با شرکت حدود ۲ هزار نفر در روستای مذکور (زادگاه جرجانی شهید) برپا شد. البته در روز ۱۹ تیر نیز در "تار علیا" مراسم مختصری برگزار شد که به آن خواهم پرداخت.

هر دو جشن مذکور را سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) اداره میکرد و از اینرو آنچه که در این جشنها مشاهده میشد عبارت بود از خط سازش، تسلیم طلبی، نظیر رژیم جمهوری اسلامی و برپا گشتادن دستاوردهای مبارزات خونین خلق ترکمن

برگزاری این جشنها دوهدف عمده را دنبال میکرد: و ماضی توضیح مختصر این اهداف شرح بر نامه های جشنهای مذکور خواهم پرداخت. ۹۰ دوهدف عبارت بودند از:

۱- زدودن خاطره "ستادشوراها" و مبارزات توماج و دیگر رهبران شهید خلق ترکمن از اذهان بوده های ترکمن. جریان روزیونیستی سازمان چریکها، در روند حرکات و عملکردهای روزیونیستی خود، به این نتیجه رسیده اند که تشکیل شوراهای ترکمن صحرا با آن مضمون انقلابی و سوده ای خود و نیز تشکیل "ستاد مرکزی" این سوراها (هسته مرکزی تشکیلات شوراها) کارا نتایجی بوده و سعی جبری محسوب میشود! چ روی ای که

نتیجه ای جز تضعیف دولت خدا میرا نیست! در برنشد است، یعنی "ستاد مرکزی شوراها ی ترکمن صحرا" دولتی در دولت بوده و کارش در جهت تضعیف این رژیم پیش میرفته است! در ادا به همین ساست راستروا نه

● روزیونیستهای فدائی (اکثریت) تلاش می کنند حتی یاد "ستاد مرکزی شوراها ی ترکمن صحرا" را که دست آورد بزرگ خلق ترکمن بود از خاطر بره روستائیان محو نمایند!

نسبت به منافع خلق ترکمن است که آنها ادامه فعالیت ستاد مرکزی را سمورد و غلط دانسته و معتقد به وجود اتحادیه ها و شوراهای روستائی ترکمن صحرا شده اند. البته بدینسان این شوراها به هیچ عنوان مضمون انقلابی نداشته و در مقابل رژیم حاکم قرار ندارند، بلکه عمدتا تشکیلی صفتی در جهت کمک به مردم در امرکاشت و برداشت محصول و سایر امور خدماتی و رفاهی عمل میکنند.

اما پیاپی ده کردن وحشی طرح این مسئله، کنار جندان سادهای نیست. خلق ترکمن پس از یکسال و اندکی که از تشکیل شوراها پیش میگذرد، در عمل و در جریان زندگی روزمره خود بیرونی اهمیت و نقش یافته در صفحه تبع

گسترش حمله رژیم در بانه نشانی دیگر از سازش ناپذیری خلق دلیر کرد

مردم مبارز کرد!

در چند روز اخیر، نیروهای سرکوبگر رژیم، وحشانه منطقه بانه را با دیگرموتوب و حمله به سینه و با عت آوار شدن بخش عظیمی از مردم بانه و روستائیان منطقه شده اند. این یورش به بانه پس گرفتن ۵ گروهگان "جهدما زندگی" از سازمان انقلابی زمینگان (کومله) می باشد. رژیم جمهوری اسلامی با یورش و تهدیدهای گوناگون در اینجا تمهیدسین کردن و نا جای ممکن جدا نمودن توده ها از نیروهای انقلابی را داشته و بهنا و سن مخالف می خواهد به خیال باطل آب نظیر به اعمال و سیاستهای مدخلقی خود ریخته و در ضمن جنگ احتمالی هشت کاکمه را بر خلق کرد و از گونه ستان دهند. در این رابطه عملکردها جز رژیم قابل توجه است. هفته پیش اعلامیه ای در سطح شهر از طرف ارتش و پادشاهان و جهاد سازندگی... بخش گردید. در این اعلامیه بعد از کوشش سپه ده برای مردمی نشان دادن

نفسه در صفحه ۱۵

هموطنان مبارز، بخوانید و قضاوت کنید!

ما با راجحان با رژیم جمهوری اسلامی را در کرد - ستان - از کشتار مردم سد فاج در شهرها گرفته - تکلوله بسن مائیه های ما فرسوی - اعما کرده ام.

منشی که در بر ملاحظه میکنید و سوخت کامل نامه فرماده هوا سرور در مورد ارسال هوا سرور است. که آتکاراد مقابل جانان رژیم در گردستان ران شده اعتراف کرده اند. این سدیدری گویاست که مسایلی که به توضیح در مورد آن نمی رسم. و قضاوت را بعهده خوانندگان میگذارم و فقط متذکر می شوم که سروری من اصلی سند و بار مهر "حیلی مجرمانه" و یکبار مهر "فدا مریخ" خورده است. (سراجا محسن "نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی" است. همیشه تا کیدات در من سدا زما ست - پیکار)

از هزارها معا و مت عملیات و اطلاعات بدت فراجا معا و مت عملیات و اطلاعات موضوع: عکس العمل برسل در هوا سرور بر سرگزارات تبعیدی که از رانگانهای هوا سرور دریافت میکرد در برسل که از ما مورسهای غرب کشور مرا جمع می نماید از رای روحیه بسیار خراب و اعصاب خرد و غیر قابل کنترل هستند و با توجه به تحریکات مداوم که در سطوح مختلف و از جمله دانشگاهها انجام میشود و با عت فراوانی در مورد اینکه هوا سرور در گردستان برادران و جوانان هزاران کرد حسیورا کشتار میکنند مرا جمع آنان به بگان به سنها توضیح افسانها کنگی نمی نمایند بلکه مورس دوسان و انوا موحشی افراد را نبوده آنان که از در دستوری برآش داده و با عت نامی دانند در منطقه و در کشور چه میکنند دست نشاندگان روحی و فرسودگی آنها آنان میگردند به خودی که ما را فرماده آن خسودار مورد سوال فرار داده اند که چرا ما را بدر گردستان برادر کنی کنیم.

تا آنجا که من فرماده آنان در جریسان اوضاع بوده اسمعی نه خفاقی با آنان در مسان گذاشته شود ولی نشان از دلایل غیرکافی به همین عنوان بنسبوا بدر مقامات بانه با سلطنت تبعید و احساسات برانگیز طرف مقابل ساخته در نتیجه از تاریخ ۵۹/۲/۱۵ بر سرگزارات بلخی روزیونسل توسط فرماده ارشدینا بگانه های هوا سرور در امجها ن معددا بلغنی و لگرای می به من گزارش داده اند که سنوانساران خلمان از گروههای کرمان، معددنیسان بیسیانی عمومی و مرکز مورس در آن نشی سنا سرور اجتماع و جوانان رروس شدن وضع و حکومتی آنجکند در غرب کشور میگردند از طرف مقامات مسئول مختصر شخصی آقای دگر حرمان شده اند.

تا مردمگان من اینکه کنون بدون استیسا کلبه ما مورسهای اراجایی را بحوا بند و براسر مخراب انجام داده اند و حتی با این لحظه یک مورد سرسجی اراجای دسوروا حسی رواروسدن شده فرماده آنان خاطر عدم اعتراف ما مورس شده اند مدعی هستند که:

نفسه در صفحه ۱۵

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

نعمین کسندهوراها، رادیا فنه است. اگرچه اسن توراها با توجه به اهمیت دادن سنا از اندازه مسئله رمن - حتی قبل از جنگ دوم (۱۹ بهمن ۵۸) و فراموش کردن جنبه سیاسی مبارزه خلق ترکمن، عدم آمورشهای سیاسی - نظامی لازم بوده و سرتا توجه به سوطه - هاشی که رژیم سرسراه کارائی وادامه محاسبات آنها میجد (۱) بنواست آنطور که با بدو سنا بدنه وظایف انقلابی خود عمل نموده و به خواستهای خلق ترکمنی پاسخ گوید. اما در مجموع نوراها ی ترکمن صحرادر طی حیات کوتاه خویش نوا سسه اندنظورسی نفسی انقلابی در مبارزات خلق ترکمن ابعانما بند. حساب دریک چنین وضعی چگونه بعنوان انتظار داشت کسه ترکمنها از سنا دونوراها ی خود دست کشنده و سرعزم رویزیونیستها در زیر پرچم جمهوری اسلامی به مبارزه ادامه دهد!

اکنون رویزیونیستهای این سازمان درصدد انحلال سنا و دخالی کردن نوراها از مضمون سیاسی انقلابی شان برآمده اند. آنها در این راه از وسایل گوناگون در جهت تحمیل نموده های ترکمن و به کجراه کشاندن مبارزه آنها در جهت اعمال سیاست رویزیونیستی خود بهره می جویند. "جشن گندم" نیز یکی از ابزارهای بود که در خدمت این هدف رویزیونیستهای سازمان جریکهای فدائی خلق قرار گرفت.

در جریان دو جشن، نام "سنا" از روی کلیه پلاکارد ها و شعارها یی که به درود سوارا محل برگزاری جشن زده شده بودند، حذف شده بود. در طی سخنرانیها و شعارها حتی یکبار نامی از "سنا" نبرده نشد و شعارها یی از قبیل: "سنا خلق ترکمن، سنگرز حمتگان علیه امپریالیزم" که بارها و بارها در کلیه میتینگهای پیشین تکرار میشد، اعلام مطرح نگردید.

در عمر و رو قیل از اجرای جشن دوم، در سنا تا رعلیا مراسم مختصری برگزار شد. در این مراسم مراسم فرایود فیلم "حرف بزین ترکمن" و فیلمی از "مبارزات مردم قیل از قبا مونیز مراسم" مدن آیت الله خمینی به ایران نمایش داده بود. رویزیونیستها علیرغم خواهش مردم، فیلم اولی را نمایش ندادند و در جواب این سؤال که چرا فیلم مذکور را نمایش ندادید؟ گفتند: "چون در فیلم "حرف بزین ترکمن" از سنا صحبت شده و تومواج بسرای مردم سخنرانی کرده، ما بغا طرا بیکنده یان و شوراها از ما سنا دنخواهند از نمایش فیلم جلوگیری می کنیم" اما فیلم دوم را که در آن استقبال و پشتیبانی مردم از آیت الله خمینی بهنگام مراسم اجتماعات فرانسویه ایران نشان داده میشد، نمایش ندادند. همچنین یک کسروه سنا تره وادار سازمان یکبار که برای اجرای نمایش نامه ای که گوشه هاشی از مبارزات خلق ترکمن را نشان میداد، به آنجا رفته بود، با مخالفت مسئولین سنا به های جشن مواجده نمود. آنها هاسنا سنا سورا جینهای رژیم، ابتدا در باره محتوای نمایش نامه سوال و جواب میکنند (با وجود اینکه می دانستند این گروه هوادار

(۱) - منلا رژیم بدرهای نامرغوب سنا زده یی بسیار کم را به نوراها می فروخته سنا سولید کموتا مرغوب محمول را دسنا و سرتا برای سنا ن دادن سی لافتنسی و سرتا سرتا نوراها قرار دهد.

بیکار راست (و آنگاه از اجرای نمایش نامه گروه هوادار سازمان بیکار جلوگیری می نماید. یکی از دلایل مما سعت آنها از اجرای نمایش این بود که در آن از سنا بعنوان ارزشمندترین دسنا و در خلق ترکمن سنا سنا شده بود!

۲ - سنا میرا لیست قلمداد نمودن رژیم جمهوری اسلامی

سازمان جریکهای فدائی خلق (اکثریت) در ادامه سیاست رویزیونیستی خود از هر وسیله ای برای نظیر رژیم راجنا با نی که مرتکب شده است استفاده میکنند "جشن گندم" ترکمن صحران بهترین وجهی در خدمت این سیاست بکار گرفته شده بود. آنها در این جشنها سعی - جواتسند سنا ن دهده که مبارزه عملی ما ورژیم منفی علیه امپریالیزم است و مبارزه در هر نقطه از کشور سرتا علیه رژیم منجر به تضعیف جنبه مبارزه امپریالیستی!! میشود. آنها در طی سخنرانی های خود، جنگ کردستان را توطئه آمریکا و سرما به داران قلمداد نمودند که سرتا ابادی امپریالیسم همچون اوسنی ها و پالیزبانها دامن زده شده و خلق کرد نیز به دسنا لهروی از آنها افتاده است! رویزیونیستها، در این جشنها بجای جلب حمایت خلق ترکمن از خلق کرد، خواهان طبع عادلانه (بخوان تسلیم می فید و شرط خلق کرد) در کردستان بودند. آنها جنگ کردستان را سدی در راه مبارزه ضد امپریالیستی دانستند و اعتقاد داشتند که رژیم جمهوری اسلامی متناو اندجا قیل حقوق خلق کرد را به آنها بدهد!! شعارها یی که در دو جشن داده میشد عبارت بود از: "طرح در کردستان، سرتا آمریکا" "طرح در کردستان سرتا با بدگرود، محاصره اقتصادی ملعی باید گردد." در طی هر دو میتینگ حتی یکبار از جنا سیاست رژیم در کردستان از مفاومت دلیرانه خلق کرد در مقابل سرکوب و حشانه آن حرفی زده نشد. سرکوب و کشتار دوم ترکمن صحران و شهادت مبارزین خلق ترکمن همه و همه بغرا موئی سزیده شده بودند. رویزیونیستها حتی مسئله دستگیری عاملین ترور جرها فرزند انقلابی خلق ترکمن را که در میتینگهای قبلی آتهم به شوه ای را سرتا به مطرح میکردند، "فراموش کرده بودند." آنجنانکه گوئی این رژیم جمهوری اسلامی و سزودوران جنا پیکار آن نبودند که آن چهار رتن را به وحشیانه ترین وجهی بقتل رسانند.

جلوگیری از پخش اعلامیه های تایماز و فروش پیکار

سیاست رویزیونیستی حاکم بر جشنها از یکسو و تحلیلها، اظهار نظرها و شعارها یی سالمت امیر و تسلیم طلبانه در آنها از سوی دیگر، نوعی بیگناهی و در سرکت کنندگان بوجود آورده بودیدان گوشه که مردم خلی. کم به شعارها باخ می دادند و عده زیادی اصلا شعارها را تکرار نمی کردند. مسئولین اجرای مراسم سعی میکردند با افزودن بر حجم مراسم هنری این بی - بغاوسی را بکنند بطوریکه در جشن دوم، اجترای سرتا بر نامه های از قبیل جوب سازی، رقص خنجر، د و سنا سنا به، چندین سرود سجمعی، بجای اینکه جشنها را با مضمونی مبارزه جوا نه در خدمت اوگیری روحیه مبارزاتی بوده های ترکمن قرار دهد، شنیدل

مراسم صرفا هنری کرده بود که در آنها خبری از روحیه مبارزه جوشی و مفاومت انقلابی نبود. علاوه بر تمام مسائل فوق، رویزیونیستهای سازمان جریکها بسرا ی بگه نازی رویزیونیستی خود در ترکمن صحران و بخصوص در جشنهای گندم، از پخش و فروش تشریفات سازمان ما (بیکار) و رفقای "تایماز" جلوگیری نمودند! عسروز پنج شنبه در سنا تا رعلیا ضمن نمایش فیلم، چندتن از مسئولین مراسم، به سنججوی رفیقی که اعلامیه های "تایماز" را پخش میکرد، پزداختند. آنها هر کجا به اعلامیه های "تایماز" سرتا خوردند، جمع میکردند مثلا پس از پیدا کردن رفیق مذکور، اعلامیه ها را بزور از او گرفتند و سنا زظهر جمعه که مراسم در حال انجام بود، آنها را پس ندادند!

صبح روز جشن دوم در سنا تا رعلیا، آنها ساک یکی دیگر از رفقای پخش کننده "تایماز" را گرفته و سنا در آخر مراسم به او برگرداندند. در آخر مراسم شروع پخش اعلامیه های "تایماز" نموده های خلق ترکمن سنا ه غیر اصولی ترین و سنگ نظرانه ترین نوع برخورد این به اصطلاح کمونیستها بودند. آنها هر کجا که اعلامیه های "تایماز" می دیدند یا به میکردند، وقتی یکی از "سافلوجی"ها (افراد نظامات) مشغول پار کردن یک دسته از اعلامیه ها بود، مرد ترکمنی ما شاهدها ی سنا حرکات سرتا ن محلی گفت: "چقدر متعصب هستی! لا قیل آنها را بخوانند" سپس اعلامیه ای را که بدست آورده بود در جیب گذاشت (سرتا آور نیست!)

یکی دیگر از "سافلوجی"ها بعنوان کسی که می - خواهد اعلامیه را بخواند یکی از اعلامیه ها را از رفیق پخش کننده گرفت و بدون آنکه بخواند سنا را برگرداند یکی دیگر از سنا ن پس از گرفتن اعلامیه، در مقابل رفیق پخش کننده عرق سرتا سرتا را با آن خشک کرد!! مسئولین استطامات مراسم جشن حتی میخواستند روزنامه های "بیکار" را از دست رفیق فرو سنده گرفته و مانع فروش آن شوند که با افتخاری این رفیق و از ترس سجم مردم، سزلا نه به گوشه ای خزیده و در رفتند، بر سرتا این گوشه برخورد با بخصوص در آخر مراسم آدم را سنا دجا قدران و او با ش حزب جمهوری اسلامی می انداخت که به سنا نه انحرافی بودن اعلامیه ها و سوا سده دشمنی آشکار سنا با آکا هی نموده ها تشریفات سرتا وای انقلابی را از سنا سرتا میسرند.

محض اطلاع

با وجود تمامی جوش و خروش که رویزیونیستها و هواداران آگاه و نا آگاهشان در تعریف و تمجید از سنا داران و خلقی و نمود کردن آنها از خود سنا ن دادن، با سنا داران نیز بغلامت "سنا سگزار" و جواب متقابل به "سنا داران" از صبح روز جمعه ۲۰ تیر، جاده گرگان به گسندرا در محل پایگاه "قاصد آباد" سسته و نه سنا ریمینی سوسها سنی بردا ختنده که بطور در سرتا برای شرکت در جشن سنا تا رعلیا سنا فرسوا ر کرده بودند. آنها در عرض مدت کوتاهی سنا فران ۱۲ مینی بس را که برای شرکت در جشن گندم به سنا تا رعلیا می رفتند دستگیر نمودند و تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر برای جلوگیری از شرکت آنها در مراسم نگه داشتند. با سنا داران از دستگیرندگان عکس گرفته و اسم و مشخصات و آدرس آنها را با دسنا ت میکردند. آنها سغینه در صفحه ۱۰

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دموکراتیک

جنبش دهقانی



مبارزات دهقانان دشت ارژن همچنان ادامه دارد

قریب ۵ ماه از درگیری بین خولین و دهقانان دشت ارژن که منجر به کشته شدن یک دهقان بنام گهزاد قریبانی گشت، میگذرد. طی این مدت اهالی دشت ارژن به هردی زدند و پیش هر مقامی عرضحال بردند، اما مقامات رژیم تنها به خواستهای آنان توجهی ننمودند بلکه همه جا از خوانین پشتیبانی کردند. دهقانان دشت ارژن به تجربه فهمیدند که این رژیم برخلاف تبلیغات کرکننده در رادیو و تلویزیون و مطبوعات انحماریش نه تنها هدفشودال نیست بلکه با وروپشتیبان فتودال - هاست. بدنیال قطع امید از رژیم خود دست بکار شده و به تن از خوانین را که فمدا شدند خرمنها بشان را آتش بزنند دستگیر نموده و تحویل مقامات میدهند. اما این خوانین توسط "رئانی شیرازی نما بنده اما مدرسرا زوعوض شورای نگهبان و دوست خود فقایی آژاد شده و با زده نفر نما بندگان دهقانان دستگیر

میشوند! دهقانان از این عمل ختمکننده و رزیج - شنه ۵۹/۴/۵ محدود شدند و نفرشان در حالیکه هرکدام مادی در دست داشتند و بر علیه خان شعا ر داده، جلوی اسنادار - ی فارس تجمع میکنند. مسئولین اسناداری در را بروی آنها می بندند اما عده ای از دهقانان با - چالاکي از دیوار بالا رفته و در را بروی بقیه با می کنند دهقانان محرا خواستار آزادی نما بندگان خود و دستگیری و مجازات خوانین بودند. جالب است بدانیم همین جناب ربانی جندی پیش در اطلاعیه ای از کشا ورژان خواسته بود که در مقابل عوامل ضد انقلاب که قصد آتش زدن خرمنها بشان را دارند هوشیار باشند ولی اینک حداقل بردهقانان دشت ارژن روشن شده است که در این خرمن سوزی ربانها و عوامل رژیم نیز دست اندر کارند! زسروش نما بندگان دهقانان هنوز خبری بدست ما نرسیده است.

پورش و حشیا نه پاسداران به نیروهای انقلابی در سامان شهرگرد

موج جدید سرکوب رژیم مدخلی به شهر کوچک سامان (منطقه جهال بختاری) سرکشد. بعد از ظهر دوشنبه ۵۹/۴/۹ حمله پاسداران سرمانه به فروشنده نثره "کار" و دستگیری یک کارگری و راه کردن مقالات دستنویس "پیکار" از روی دیوارها، با ردگیشان داد که ارجاع ناجه دادا آگاهی مردم وحشت دارد. مردمی که سرچهارا شهر جمع شده بودند، ابتدا با وحشت توام با اسرار به این اعمال و حشیا نه پاسداران (که بی شناخت بهنگار انقلابیون توسط ساواک نبود) می - نگرستند. ولی برودی با حرکت عده ای از مردم مبارز شهر که شمارهای مرک بر آمریکا، مرک بر ارجاع ... میدادند، صحنه عوض گشت و مردم با نظر هرات خود، شفر حویث را از این عمل و حشیا نه پاسداران نشان دادند ... لیکن عملیات پاسداران شلولسیده است حاجاتمه نیافت زیرا بدنیال این جریان، نیمه شب پاسداران به خانه های جندن از انقلابیون میروند و با ایجاد رعب و وحشت قصد دستگیری آنها را میکنند که با عکس - العمل مردم مواجه گشته و حتی مادر یکی از کارگران جلوی ماشین پاسداران خواسته و بر پاسداران بانگ میزند که اگر بخواد هیدفرزند مرا ببرید با بد از روی حد من رد شوند. زنان و کودکان در حماست از انقلابیون از هیچ کمکی دریغ نمیکنند و آنها را فراری میدهند اما پاسداران گستاخی و بیترمی را به آنها میسرمانند که برادر یکی از انقلابیون را بدون هیچ جرمی به گروگان میگیرند و آزادی او را منوط به تحویل برادر امیدانند.

جندی پیش نیز، دیوروشی دیگر - هر چند در سطحی کوچکتر با پاسداران میخواستند یکی از هواداران "پیکار" را که بفروش نثره مشغول بود، دستگیر کنند لیکن با مقامات مردم محبور شدند و او آزاد کنند. آری این جریانات پیش از پیش مردم ما را به ما هبت مدخلی این رژیم آگاه خواهد ساخت و این جویبارهای کوچک آگاهی بزودی زود سیلی خواهد شد که امیرالسیما و ارتجاع را همچون برکای بی خود خواهد برد.

(بسنقل از نثره کوهرنگ)

باغ، میرریشی، چندین بار به مقامات دولتی شکایت کرد. یکی دوما رک از اندامها به ده آندند دهقانان به آنها جواب دادند که تقسیم زمین خواسته نام اهالی بوده نه کار عده بخصوصی.

تاکنون هرکدام از اهالی قریه "مالفجان" سر روی زمین خود کار می کنند و اکثری یکبار از محصول جای خود برداشت نموده اند و جوانان مبارز زده نثره با پیگیری و فعالیت هرچه تمامتر، ضمن آوردن فشار بر شوراهای کار ریشتر بیفیع دهقانان، با تورا فعالانه همکاری می کنند. پیروز با دما زرات زحمتگان ایران

(*) هر در زحود یک متر مربع است

اقدام انقلابی اهالی قریه "مالفجان"

قریه مالفجان با ۲۴ خانوادهدون بسوق و حما ۱۴۰۰ در ۱۴ کیلومتری جنوب لاهجان قرار دارد. در این ده ماغ جای بزرگی در حدود ۲۱ هکتار وجود دارد. مالک قبلی این باغ، قنبرچهاردهی، زمینهای دهقانان زحمتکش را نیز بجزورت صاحب کرده و به باغ باغها فاه کرده بود. وارثین مالک بعد از مرگ او، باغ را به زمینداری بنام "میرریشی" ساکن رودس فروختند. در اواسط بهمن ماه ۵۸ زمزمه مصادره و تقسیم باغ بین اهالی بگوش می رسید. اما با ظروست ده و کثرت جمعیت آن، تقسیم عادلانه زمین باغ، مشکل بنظر می رسید. به همین سبب دهقانان برای تنظیم کارهای مربوط به مصادره و تقسیم، در اوایل اسفند ۵۸ شورای دهقانی خود را مرکب از ۵ نفر تشکیل دادند. تا تاریخ ۵۹/۴/۲ شورا نتوانست بر تقسیم باغ نظارت اصولی داشته باشد. هرکس قسمتی از زمین را برای خود برداشت به بود و هرچ و مرج بر قریه خاکم بود. به همین خاطر شوراهای تصمیم گرفت اقدام جدی بعمل آورد. بعد از گروهبندی و آما رگیری از کسانیکه مایل به گرفتن باغ بودند، شورا تقسیم باغ را آغاز کرد. جوانان ده نیز در انجام اینکار و فعالیت چشمگیر داشتند. گروهبندی اهالی ده بدین ترتیب بود:

گروه اول: دهقانان بی زمین، دهقانانی که زندگی - شان از طریق مزدوری برای دهقانان دیگری گذشت گروه دوم: دهقانان کم زمین، دارای تا ۴۰۰ درز (*)

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



مبارزه خلق افغانستان و مزدوران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم آمریکا

چگونه در اشرحات متناوب باصطلاح مجاهدان مسلمان افغانی به کارگران ۵۱ کارگر افغانی شهادت رسیدند؟

بعد از کودتای بانداواسته ترکی، خلق زحمتکش افغانستان هموارها کودتاگران و باندهای مزدور سوسیال امپریالیسم مبارزه کرده و در این مبارزه بین خلق و ضد خلق در افغانستان، کمونیستهای راستین و نیروهای انقلابی و مترقی نیز دوش بدوش زحمتکشان افغانی بر علیه باندهای جنایتکار سوسیال امپریالیستی قهرمانانه پیکار میکنند.

این واقعیتی است که رژیم وابسته شوروی با کمک ستیغ نیروهای اشغالگر روسی مردم افغانستان را غارت کرده و نیروهای مبارز آنرا سرکوب و کساری - نماندولی این نیز واقعیتی است که گروهها و سازمانهای اسلامی وابسته به امپریالیسم آمریکا در افغانستان فعال بوده و بطور سیستمی توسط "سا" متشکل و سازماندهی شده اند و از طریق رژیمهای ارتجاعی از قبیل پاکستان، مصر، عربستان سعودی حمایت میشوند. این دسته های فتودال ارتجاعی و وابسته که در پوشش اسلامی و بظاهری در رفعت خلق با رژیم ضد خلقی و مزدور حاکم در افغانستان "مبارزه" میکنند و افغانستان را حمایت رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز سرخوردارند خوراک تبلیغاتی مناسبی برای سوسیال امپریالیسم و نوکران آن در جهت تخطئه مبارزات انقلابی خلق افغان گردیده اند، چرا که این گروهها میز دور در حالی که خلق افغان با رژیم افغانستان می جنگد با همی رژیم مخالفت میورزند. این گروهها با رژیم حاکم مبارزه میکنند اما نه در جهت تامین منافع خلق بلکه برای تامین منافع ارتجاعی خود و ایابانشان. آنها با رژیم سوسیال فاشیستی افغانستان در فتنه انداختن در مقابل سوسیال امپریالیسم، قدرت و حکومت را برای خدمت هر چه بیشتر به امپریالیسم آمریکا در دست بگیرند. مادرشمارهای پیشین "پیکار" بخشی از اخبار و مدارک دال بر سرسپردگی این دستجات را آورده ایم، اکنون نیز بنا به وظایف انقلابی خود یعنی بر مبارزه علیه همه امپریالیستهای میکوشیم تا عملکردهای آشکارا خاشنا نه این احزاب و گروهها را با زهر ملامت رسم، حال ببینیم این اخبار افشا کننده کدامند؟

"زیرا و ن برسید شد آ تا کند میکنند که "سا" سلاح در اختیار شورشیان قرار میدهد. وی گفت: "این شورشیان افغان هستند که در مرز جلوه و عقب میروند و با سلاحهایی که از پاکستان دریافت می - دارند در برابر نیروهای شوروی ایستادگی می کنند (اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۱)

و با طبق حیرتگیری؛
گفته میشود که مرمک نظامی نیز در اختیار افغانها میگردد، اردوگاههای تربیت نظامی افغانها در مصر، اردو هسه پیشتر آغا رسکا رکتره است. (آ سونستدیرس، اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۳) و همچنین:

"یک نشریه عربستان سعودی گزارش داد که این کشور هفت میلیون دلار به مجاهدان مسلمان

رژیم پاکستان، مصر و عربستان سعودی به این نیروها کمک میکنند؛ زیرا این رژیمها وابسته به امپریالیسم آمریکا بوده و در جهت بسط نفوذ سیاسی خود در افغانستان به تربیت و ارسال نیرو میپردازند. این رژیمها دلان به حال خلق افغانستان سوخته، بلکه آنان در راه مافع امپریالیسم آمریکا اقدام میکنند. در واقع رفاتستین امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم در افغانستان در شکل مبارزه و جنگ بین رژیم ارتجاعی کارمل و نیروهای فتودال مذهبی وابسته شوروی نهادند.

این نیروها با راهبها را مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند، حزب جمهوری اسلامی بارها بارها از "مجاهدان مسلمان افغانی" یاد کرده است. این "مجاهدان مسلمان" چه کسانی هستند؟ مزدوران امپریالیسم و یا کسانی که نا آگاهانه در خدمت امپریالیسم هستند می باشند؟

با بد صراحت تمام اعلام شد که "مجاهدان" آمریکا، رژیم ایران و حزب جمهوری اسلامی با خلق زحمتکش افغان و نیروهای مترقی و انقلابی آن هیچ وجه مشترکی ندارند. همچنان که مانند "کارمل" از خلق افغان جدا بوده و در صف خلق جایی ندارد. چرا که هم آنان و هم حلقه یگوشان کرملین یک هدف دارند و آن سرکوب مبارزات دمکراتیک و فدا امپریالیستی بوده - ها و انقلابیون افغانستان می باشد. اینک ما حلقه های ارتزم رژیم جنایتکار سرکوب کارمل بر کارگران افغانستان و نمونه ای از عملیات یکی از این گروههای

- گروهها و سازمانهای اسلامی وابسته به امپریالیسم آمریکا در افغانستان فعال بوده و بطور مستقیم توسط "سا" متشکل و سازماندهی شده اند. و از طریق رژیمهای ارتجاعی از قبیل پاکستان، مصر و عربستان سعودی حمایت میورند.
- دسته های فتودال ارتجاعی و وابسته که در پوشش اسلامی و بظاهری در رفعت خلق با رژیم ضد خلقی و مزدور حاکم در افغانستان "مبارزه" میکنند و افغانستان را حمایت رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز سرخوردارند، خوراک تبلیغاتی مناسبی برای سوسیال امپریالیسم و نوکران آن در جهت تخطئه مبارزات انقلابی خلق افغان گردیده اند.
- آخرین خبری که از این باندهای مزدور بدست آمده است و حتی روزنامه "جمهوری اسلامی" که به سنگ حمایت از "مسلمانان مبارز" افغان را سپینه میرند، بدان اعتراف نموده است، دیدار این باندهاگان این دستجات مزدور با سازماندهی می باشد.
- "کارمل" از خلق افغان جدا بوده و در صف خلق جایی ندارد. چرا که هم آنان و هم حلقه یگوشان کرملین یک هدف دارند و آن سرکوب مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی بوده - ها و انقلابیون افغانستان می باشند.

وابسته را که بر عمر رژیم جمهوری اسلامی جزو افداسات انقلابی!! مسلمانان افغانستان می تواندمحسوب نمود در اینجا می آوریم تا خلقهای میهن ما با ما همت هردودسته جنایتکار آشنا شوند:

بروز هسنت (سما) در غرب شهر هرات، بیش از هزار کارگر در یکدراکه اکثر آنها از اهالی "سنان"، "آزادان" و "سیت الامان" می باشند. این کارگران ستم دیده و ستم خور و بیگانه و بیگانه خود شلاق استعمار را، حس میکنند و بخاطر بدست آوردن لقمه نان، از صبح تا شام تحت بدترین شرایط کار میکنند. با همه ظلم و ستمی که از طرف دولت فاشیستی افغانستان بر این کارگران اعمال شده و میشود. در اوائل بهمن ماه ۵۸ هر یکهای "حزب اسلامی" تحت رهبری فرد مزدوری بنام "گلبدن" به کارگران میگویند که "شما کارتان را تعطیل کرده و به سرکار تروید". کارگران پاسخ میدهند: "ما عا نلله داریم و مجبوریم تا خانواد خود را سهر ترسیمی شده پیدا کنیم، اگر شما (چریکها) می توانسد کاری به

افغانی که با نیروهای روسی می جنگد کمک بیاورند کرده - و این کمکها ادا نمده خواهد داشت. (آ سونستدیرس، اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۴)
این احزاب که اردسکاها می سلغانی امپریالیستیها و از طریق مطبوعات وابسته به رژیم جمهوری اسلامی نقل شده ما هیت این گروهها و دستجات راستین می دهند. آخرین خبری که از این باندهای مزدور بدست آمده و حتی روزنامه "جمهوری اسلامی" که سنگ خطی است از "مسلمانان مبارز" افغان را سپینه میرند بدان اعتراف نموده است، دیدار این باندهاگان این دستجات مزدور با سازماندهی می باشد (جمهوری اسلامی دوشنه ۹ سپرمه).
از جمله این گروهها میتوان از "حزب ملی" "تحریک انقلاب اسلامی"، "جمعیت اسلامی"، "حزب اسلامی" و "جنبه نجات افغانستان" نام برد که اخیرا برای ملاقات با سازماندهی مزدور بدست گرفته اند. اخبار فوق یکبار دیگر ما هیت ارتجاعی نیروهای "اسلامی و مبارز" "فوق" را بنمایش میگردد. چرا رژیمهای سر برده ای ما نتند

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از...

در طی مسیرومت با اتومبیل‌های خودبا انکسور ت
ملحاحه مینی بوسها ، ما نور میدادند .
در پایان این خوارش من پیام "تا با ما ز" را که
بعنا سبت "جشن گندم" به اتحادیه روستائی جرجانی
(تا تا رعلیا) ارسال شده است ملاحظه می کنید .
پیام "تایماز" به اتحادیه روستائی
جرجانی (تا تا رعلیا) بعنا سبت "جشن گندم"
جشن گشت و برداشت شورائی گندم
خلق مبارز ترکمن! روستا شان زحمتکش ترکمن
صحرای!

امسال جشن گندم در درنا بطی برگزار می کنیم
که محصول دسرنج یکساله خودمان را بدست خودمان
برداشت کرده و از طریق شوراها بصرف لازمه میرسانیم.
این پیروزی بزرگ ، یعنی امکان برداشت کامل
محصول بدست خودمان نتیجه بلا فصل و طبیعی شوراهاست .
مادر با ما کیمیت شورا شی بر سر زمین مان بود
که بوا سبتا هم زمینداران و بسته رژیم‌ها می آنها
را از زمین هایمان بیرون رانده و علاوه بر اینکه دهها
هزار هکتار از زمین هایمان را که بوسیله زمینداران
وسرا به داران رژیم قبلی تصرف شده بود مصداق
انقلابی بنما شیم . در با با اتحادیه های سراسری و
"ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا" کاکمیت سیاسی
نوده ای خودمان را هم بر سر زمین مان برقرار رسانا شیم .

بقیه از صفحه ۵

هموطنان ...

۱- ما از آنچه که در غرب کشور میگذرد بی اطلاعیم
و علیرغم او مرز هرا انقلاب ، (زمان اجرای دستورات
کورکورا نگذشته است) فرماندهان یگانهای پیشین
شونده نهایت سو استفاده را از روستا ط جمعی
نموده و در موا ر دیکه دستورات مادره از طرف آنان سا
هیج منطق و مقررات و موا رین عقلانی جور در نمی آید
اجا ما موریت را با تهدید سلاح و آنها مضا انقلابی
بودن تیرباران کردن متهمین به ما تحمیل می
نمایند .

۲- در محل ما گفته میشود که فلان اتوبوس با
مینی بوس یا رنگ و مشخصات فلان وسعما نا حاصل
تعدادی عنا مرزدا انقلاب و میا جمعی ملحق است که در
مسیر با مشخصات معین در حرکت است و با بدیه هرتربس
که شده زمین برود .
با اطمینان به اطلاعات و بنا کیدات ما موریت
اجرا میشود لیکن بعدا معلوم میشود که اطلاعات آنان
صحیح نبوده و در نتیجه دانسته و بدست ما تعدادی بی
گنا گشته شده اند و در نهایت تا نصف در میان روز و سیا
روز بعد مرا تیب با ذکر تعداد دگشته شده ها و زحمی هیا ،
(هفت نفر کشته ۱۳ فرزند) از رادیو روسی کشور
در زمین اجبار رینترونا کید میشود که این عمل توسط
هلیکوپتر هوا نیروزا اجا مکرر است (مرا جعه گند
به بیکار ۵۳ و همچنین به اطلاعات ۵۹/۲/۱۰- بیکار)
۳- فرماندهان و یگانهای هوا نیروز آماده در
منطقه عملیات انتظار دارند از عملیات رزمی و حنا
بنا شی بر سبل و موا ثل گرفته ما حمل آب و سوخت و
نیما و همچنین حمل مجروح و ا جادگشته ندگان
و سیا لاجیر هرا حاشی که مدرب هلیکوپتر و
جنا رت و اجنا نا حنا قات خلبانان اجا زه مند هرا از این
نگان حنا و آسیب پذیر بودن سوچه به ارزش و اهمیت
آن در کلیه سطوح سازمندیهای مملکت بطور صحیح

خلق مبارز ترکمن!

رژیم پوتنه سومی را برای نابودی شوراها ی
انقلابی مان نذارک دیده و پیش از سرکوب نظامی که در
جریان جنگ ۱۹ سپتن ۵۸ در ترکمن صحرا عمل آورد ،
از آن بعد ، کا مگا موبه انواع و سا ثل و دسیمه ها
بیش می آید تا بتواند هر روز که می گذرد ، میخ خود را
در منطقه بیشتر کوبیده و دستا وردهای انقلابی مان را
که مهمترین شان کاشت و برداشت شورائی محصول و
کاکمیت شورائی بر منطقه بوده است تا نبوده کرده و
کاکمیت ضد خلقی و ضد مردمی خود را بر منطقه برقرار
سازد .

اتحادیه محکم خلقی ما در درون شوراها ، بیونند
مبارزاتی مان با مبارزات سایر خلقهای میهن ، جلو-
گیری از بهما رز رسیدن شوراها مان با رژیم افنا و
طرد کامل سازندگان و میقاومت در مقابل سنا سبت
بیشتر نوده کا مگا م رژیم است که می تواندمتنص کسب
کاکمیت سیاسی شورا های مادر منطقه بوده و امکان هر
گونه خیانتی را به دستا وردهای مان منتفی گرداند .
"کوشینما" جشن گندم "را به جشن پیروزی
مبارزات کلینه خلقهای میهن مان در
برقراری اوائی مستقل و دمکراتیک ،
یعنی برقراری "جمهوری دمکراتیک
خلق" تبدیل کنیم !
" سنا سناز"
جمعه ۲۰ ستر ۵۹

و با غلط استفاده ما بند و علیرغم کلیه گزارشات و
تکالیفات که چندین بار توسط بر سبل هوا نیروز و سیا از
طریق سازمانی مربوطه اجا مده کوچکتر سنا شیری
در سیمودا و ما سنا مان منطقه عملیات نداشتند
اب با سوچه موا رت نفوی که گوشه ای از نا راجنی ها
و در ددل آنان بوده و تقاضائی که برای ملاقات آقای
دکتر جمران در جهت روشن شدن در مورد مسائل موجود
منطقه غرب کشور داشته اند چگونگی در ساعت ۱۱ همانروز
بعلت بستری بودن سیمما فرما ندھی نوا اجا سمر س
جاشین نوا اجا وسین بعرض سیمما فرما سبت سنا سنا
مشترک رسیده مقرر فرمودند که این دعوت توسط مسن
اجا با آقای دکتر جمران بعمل آید .

در سنا ی که با دفتر ایشان گرفته شد اظها گردید
که جناب آقای وزیر دفاع در جلسه هشتاد و پنجم
سپتن ۵۸ در سنا ی "سنا سنا" و "سنا سنا"
عابدی "بعرض رسیده که فرموده بودند که این مطالب به
ایشان ارسا طی ندارد .

با عطف توجه به مراتب فوق و اینکه حتی خود من هم
سمنان فرمانده هوا نیروز که امروز سبکین ترین
قسمت با رزادوش میکنم در جریان چگونگی آنچه
که در غرب کشور میگذرد در سیمما و موا فقط به ما سنا سنا
بلاغ او مرزدا در مورد اجا م هلیکوپتر از ده بالا
به بیکارهای سنا مرخود می با شو چیه دلایلی از
حمله بدی آب و هوا ، عدت مین در منطقه و غیره در اجا م
هلیکوپتر و اجا ما موریتی ، تا خبری بوجود آید خود
وسکا نم هدف انها مات و انتقادات شدید فرخواست
گرفت ، اسندا ما مشخوف سبل از اینکه اثرات تبلیغاتی
زها کین و همه جا نبه دشمنان سبب اجا دشمنات غیر
قابل کنترلی گردد ، مقرر فرما شید تر سیمی داده شود
که هیئت صلاحیندا رسمطور روشن ساختن اذهان عمومی
پرسنل ارتش و بخصوص هوا نیروز به یادگانه ها و
بایگهای اجا م و با اجا دشمنان و با سگوشی
به سنا لات آنان بپیکاری لازم در جهت رویدا ده های

بقیه از صفحه ۹

مبارزه خلق...

ما بدهد که مرد بخور و بگیری داشته باشیم و با اکسیر
سازمان با افرادی تا من معارج زندگی ما را بعهده
بگیرد ما حاضر می سلاح گرفته بر علیه دولت فاشیستی
ضد خلقی و ضد اسلامی ... جنگیم . بد سبل آن چریکها
- ی اسلامی بدون هیچ دلیلی کارگران را دستگیر و
با خود به کیمیت اسلامی می برند و در آنجا از کارگران
نوبه نامه میگیرند ، اما کارگران با تمام این احاقات و
زور کوشیها برای سینه لقمه مان خود دوبا زه بر سکا ر
خود میروند ، اما هنگام رفتن سکا ر در اتوبوس ، توسط
چریکهای اسلامی به رگها ر ملسل سینه میزنند که در
نتیجه آن سنا زها زده نفر کارگران کشته و چند نفر
زخمی میگردند ، این یورشهای وحشا به چندین بار
نسبت به همین کارگران تکرار میشود و پس از هر حمله
کارگران سنا چها روز دست از کار میکشند ، در این
حملات متناوب معاهدان !! به کارگران سنا دفاع حدود
۵۱ نفر از کارگران جان خود را در دست میدهند . (۱)

بدین ترتیب می بینیم به سنا دولت مزدور کارمل
مردم افغان را قتل عام میکند بلکه همچنان معاهدان
مسلمان "سنا زکشتا روسکوب توده ها تریک می با سنا .
نوده های آکا و سیروهای انقلابی واقعی برای استقلال
و آزادی میهن خود را ضد سلطه و نفوذ همه امپریالیستها
مبارزه میکنند ، لیکن ، حزب و رگسخته و خاش نوده ها
انگت گذاشتن بر دستهای مزدور اسلامی بر ما هست
انقلابی جشش ضد سنا ل امیرا لیسنی خلق افنا -
سنا ن برد به سنا زفا کنده و مرزین انقلاب و ضد انقلاب و
خلق و ضد خلق را محدود سنا زد و حنا و اسود میکند
که سنا زها انقلاب سون کومیسیت و نوده های آکا ه روز رسیده
افنا سنا ، مخالفت نشود لبا و مرتجعین و اجا سنا ن
آمریکا با دولت "انقلابی" و "خلق" سنا کار سنا ل
می با سنا !!

حال با توجه به تبلیغات مزدوران سوسال امیر
- با لیس و فعالیت مزدوران امیرا لیسیم آمریکا در
افنا سنا ، ما با ریدگر ، صخلق افنا سنا را از صق
سوسال امیرا لیسنا و کارگران آن و سنا اجا ب
و جمعیتهای حیره خوار امیرا لیسیم آمریکا جدا نموده
و تر دیدی ندر سیم که نوده های زحمتکش و کومیسیتیهای
واقعی و سیروهای انقلابی افنا سنا در مسازرات
خونین خود ، هر دو را روسته حلقه بگوش امیرا لیسنا ی
روس و آمریکا را به زباله دانی تاریخ خواهد سیرد و
بر خلقهای مبارز میهن ما سنا حنا بت ارمبارزه
نوده های انقلابی افغانی بر علیه رژیم ضد خلقی حاکم
و با اقتضای ما هست گروههای مزدور ، صق انقلاب را در
افنا سنا تقویت نماید .

(۱) - طبیعی است که ما در اینجا فقط نقل قول
کرده ایم و بیروا ض است که این سنا معنی تا سنا
مواصع کارگران فوق است .



آتی به عمل آورد و همچنین با پخش حقایق و مطالبی
که از نظر ملت ایران بیوشده شده است از طریق رادیو
و تلویزیون و همچنین در مطبوعات ، سنا به بزرگنی
ها و تبلیغات مسموم علیه پرسنل ارتش خامه داده شود
فرمانده سیر و سرتیب خلبان اسکندر عامدی - محل افنا

گودتا...

بگونه‌ای که از هر طرف فریاد این جناح بلند شد و خواهان "سرکشی ری فاطمه و وسیع عناصر ناباب و غیر مومن به انقلاب اسلامی" شد و "ضرورت تصفیه هر چه سریع - تر ارتش را دریافت. وحشی در برخی موارد (نظیر خوزستان) به حیطه لیبرالها و فرما نده کل قوا تجاوز کرده و افرادی از سپاه پاسداران را به فرما نده‌های قسمت‌های ارتش منصوب کرد. اینها همه بخاطر این بود که موقعیت مناسبی پیش آمده بود که میبایست برای تسلط بر ارتش از آن استفاده کرد و سرچشمی را ستانی است که نه لشکرکشی بتی سردار بربراینکه عده‌ای میخواهند بالاتر از سرما قرار دهند و ارتش بیرون ببرند، قابل درک میشود. آری، اگر ما می‌بینیم گمانی که تا دیروز طاقت از ارتش اسلامی را واجب میشدند امروز خود آن احرار با پس تبعید ارتش و اگر تا دیروز تضعیف ارتش را حرام میدانستند امروز تصفیه ارتش را مطرح میکنند، اگر تا دیروز حمایت خود را از فلاحی ها، باقری ها، مهدیون ها... اعلام میدادند شنیدند امروز جناح "لیبرالها" را بخاطر پشتیبانی از این عناصر به مواخذه می‌کشند (۳) اینها همه بخاطر این است که ارتش تا دیروز انقلابی و در جهت منافع خلق بوده و امروز انقلابی و در مقابل خلق قرار گرفته است و نه باین دلیل است که بعد از کودتا نظام و تهاوت ما هوئی و کیفی در ارتش صورت پذیرفته است، بلکه با توجه به موجود و وحشی مردم نسبت به ارتش ضد خلقی، کوشش برای تضعیف حریف مقابل و تسلط خویش بر ارتش است. به عبارتی دیگر معالفت این جناح با ارتش بخاطر آنست که این ابزار سرکوب همچون پاسداران در دست او نیست و ذبح حیطه حریف قرار دارد. و این خود مانع مهمی است برای او در جهت پیشبرد سیاستها پیش در هیئت حاکمه و کمک موثری است به حریف (لیبرالها) برای پیشبرد خواستها و سیاستها پیش این است که مسئله او اینست دلیل مخالفت خواهان لیبرالها و انتقادات این جناح نسبت به سیاست بنی مدرو اعمال ارتش. و اینست ریشه خواهان تصفیه هر چه سریعتر ارتش از جانب اینان و الا گذشت یکسال و اندی از قیام بخوبی و صراحت کارگزاران نشان داده است که نتایج و نتایج کیفی و تمهین کننده‌ای بین سیاستهای دو جناح نیست هر دو خواهان بازسازی نظام، سرما به داری و بسته ایران هستند، هر دو خواهان حفظ ارتش با سیستم بورژوازی کنونی اش میباشند از آن به مثابه مهمترین ابزار سرکوب در مقابل خلقها، کارگران و زحمتکشان سودجویند. همانطور که تا کنون از آن برای سرکوب خلقهای کرد، ترکمن، عرب و... بهره‌جسته‌اند. بدین ترتیب ما هیت کوشش و تلاش بنی مدرم برای تشریح کردن ارتش و اینکه ارتش خودش گودتا را کشف کرده و... هم‌گام ملامت میگردونشان میدهند که سیاست و عملکرد دو جناح در رابطه با ارتش انعکاسی از جنگ قدرت در "بالا" است.

بنابراین وظیفه نیروهای انقلابی است که چهره مزور و فریبکارانه اینان (حزب جمهوری اسلامی و اعوانش) و لیبرالها به رهبری بنی مدرو همچونین ما هیت واقعی ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی را به نودها نشان دهند. بگویند و تشریح کنند که هر دو جناح کوشش میکنند ارتش، این ابزار را قتل و کربنده و راحت تسلط خود بگیرند (امری که با حتمال زیاد با توجه به شرایط موجود ما هیت دو جناح از عهده هر دو آنها

خارج خواهد بود) تحت سلطه خود بگیرند تا اهداف مدخلی خود را بهتر به پیش ببرند و آنچه که در این مانع مطرح نیست همانا مانع فاعل خودهای ستم‌دیده خلق میباشد. کمونیست‌ها با نستی همچین برای نودها ما هیت مدخلی ارتش را با توجه به موقعیت کنونی توضیح دهند و بگویند که برعکس تبلیغات هر دو جناح حتی با تصفیه عناصر رهبری ارتش همان ارتش خدمت خلق درمی‌آید. ساخت و سیستم این ارتش در خدمت به امپریالیسم و سرما به داری و استعمار خسته‌نده و فقط هم در این راه میتوانند حرکت کنند (همانطور که تا کنون نشان داده) و در عین حال سیاست انقلابی و اصولی کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی را در مقابل ارتش ترویج و تبلیغ کنند و نقش واقعی ارتش را در جوامع طبقاتی بیان نمایند.

(۱) - ما تحلیل خود را از این گودتا در پیکار ۶۳ آورده‌ایم.
(۲) - سپهبد مهدیون که بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی از طرف بازگان به فرما نده‌های نیروی هوایی منصوب شد، یکی از مغفورترین و کثیف‌ترین فرماندهان نیروی هوایی بود، بطوریکه انتصاب این شخص به فرما نده‌های نیروی هوایی خشم و اعتراض پرسنل مبارزین نیروی هوایی را نسبت به این انتصاب برانگیخت، خشم و اعتراضی که تا چنانچه دولت بازگان را وادار به تعویض آن با مهره کثیف دیگری کرد. سپهبد مهدیون نه تنها از لحاظ فساد اخلاقی و تجا و زبانه‌های میس دیگران در نیروی هوایی مشهور بود، بلکه شهودری است که بر فنل سرما به داری بدست او میدادند. قصه از این قرار است که هنگامیکه سپهبد مهدیون در باگه‌ها مشهور بود، همیشه استخرش را خود را از آب تصفیه‌نده (که هر لیتر آن معادل ۱۸ ریال تمام میشد) پر میگردویز این که آب استخر برای شنا قابل استفاده با نده سه روزه قبیل از شنا مقدار فراوانی بیخ بدخل آب میریخت تا در هوای بسیار گرم و شوره‌دار باستان، آب برای شنا قابل استفاده گردد. یک بسیار هنگامی که استخر برای آب تنی سپهبد مهدیون و دوستانش آماده‌نده بود، سرما به داری که در آن اطراف نگهبانی میداد بدون آگاهی به اینکه استخر برای چه کسی آماده‌نده از فرط گرما به آب خنک استخر پناه میبرد. غافل از اینکه چه "ظفا"ی جبران ناپذیری را مرتکب شده، مهدیون جنا بیکار در حین آب تنی سرما به داری و به خاطر "لوده" شدن آب استخر توسط بدن "کثیف" سرما به داری و آنقدر با نشت و لگد میزنند تا جان میدهد. به‌سند بر احتی قضا فیصله می‌با بدو در پرورنده علت مرگ فگنی در آب ذکر میشود.

(۳) - در پند ۷ از پنا به ۵۹/۴/۲۰ مجا هدین انقلاب اسلامی چنین آمده است: "ما از خصی ریاست جمهوری تقاضا داریم که: الف - پیش از این عناصر فرما ندویا و بسته‌های نظیر خسرو قشقا بی، سریش باقری، سریش فلاحی و... را مورد حمایت قرار ندهد و به نیروهای اطلاعاتی و انتظامی مومن به انقلاب اسلامی اجازه دهند به قاطعیت تمام عوامل ضد انقلاب را دستگیر و توطئه‌های بعدی را در نقطه خفه کنند."

توضیح و تصحیح:

در پیکار شماره قبیل در مقاله "گودتا..." انتهای مقاله اشتباهی رخ داده که با پوزش تصحیح میشود. کمونیستها باید با افشا و مقابله با این توطئه ها در جهت تقویت...

یادنامه...

مردانی جسم خواهد بود تا ند سوان مروا رسی صد کرد. این با سرزمینی به شهر خودی اهورا ریگست بر سر و بر سر را رسل، در داسکده جدی با سر به ادا به تحصیل می سردار و فعالیست سانی خود را با کار در دفسردا ستر آموزان و دانشموان هودا ریگار در راه آزادی طیفه کارگزارا مده داد. در حرمان کنار لخطه‌ای از هفتین که خدمت و عشق ورزیدن به خلق و رهائی زحمتکشان بود غافل سمند. شانه روزگار را میگردویز و کار میگردویز که اوزا مبدی با لسانی خدان و سر میزور و بر میسندی. مردم زحمتکش رستون کارگری فضا به نسیاس و مهربان رفیق مهدی را که در اتحادگی داشت و شریک کارگری را مرتب بر اسیان میبرد و همچون فرسندی برای تمام ما خوانده‌های رستون کارگری بر سر و دست داشتنی بود، فراموش نخواهد کرد. در حرمان سیل خوزستان رفیق مهدی با تلاش سگنی تا پذیر چندیسین شبا نه روز به دهات سل زده میرفت و بسیاری سلردگان میشناخت. در دو مین روز یک به سلردگان هنگامیکه سوار بر قایقی از رودخانه میگشتند در اطرفیان آب کارون با یکی از رفقا شنا با بقشان واژگون میشود و آنها با شنا کردن خود را از رودخانه و خطر غرق شدن نجات میدهند که بعد از ۲۴ ساعت بحیرتی از آنها و نگرانی از سلامتشان به اهورا ریگتختند. مهدی می - با بستی آرزو زنده‌مانا ندو در حرمان انقلاب فرهگی ارتجاع به حرما هوای سگ برانی دستگیر کرد. و بعد از تحمل شکنجه‌های بسیار و دو ماه در زندان رژیم جمهوری اسلامی ماندن در حرکا ه‌خوسن جمعه ۵۹/۴/۶ به جوخه اعدام میرسد و بدین ترتیب وری سگی بر تاریخ رژیم جمهوری اسلامی امانه گردد. این کوردلان مرتجع باید بدانند که اگر مهدی شهید شد، مهدی‌ها را هاش را ادا مخواهند داد و تا رسیدن به پیروزی یعنی برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، به رهبری طیفه کارگری که لحظه‌ای با نخواستند از خطتهای به یادماندنی و نرجسته رفیق شهید مهدی بیوند سرع با نوده با بود. استعداد فوق‌العاده‌ای در با دگیری زبان داشت و زمانی که در زندان رژیم جلادها بود زبان عبری را از زندانسان اعدای بخوسی با دگرفت و از این طریق با مردم محله‌های عرب نشین بیوند نزدیک داشت. مهدی‌ها و سریمماها و جعفری‌ها ادا مدهنده راه این شهیدان به خون خفته خلق خواهد بود و انتقام این گلگون گفنها را از این رژیم وابسته و مرتجع خواهند گرفت. در پایان قسمتی از نامه‌های را که نشان دهنده وفاداری آن شهید به راه سرخ‌هاش زحمتکشان است و در زندان نوشته‌نده است نقل میکنیم: "قا جان و ما مان جان، از انا تم در مرکز عملیات سپاه پاسداران شمارا میبوسم، با اینکه بچه‌خوسمی برای انا نبوده، ما تا حالا خلقی تا انا احتیاج کرده‌ام ولی امیدوارم مرا ببخشید. همه‌تان را دوست دارم احتیاجا ما را این رفیقی که پیشم است (غلامحسین عالی) اعدا میکنند. در این صورت انا میخوام هم که برای مردم دهند و ارا هرا توضیح دهد و به آنها بگویند که تا آخر به راه وفا دارم تا دم‌چون فکر میکنم راهم درست بوده و حالا به‌زای خود هیچ‌گانه نمیبینم به جز اینکه طرفدار زحمتکشان هستم امیدوارم مرا ببخشید."

عده‌ای از دوستان رفیق شهید مهدی علوی ۱۳۵۹/۴/۱۴

مبارزات کارگران شرکت گسترش مسکن اصفهان

شرکت گسترش مسکن که در نزدیکی اصفهان واقع شده با حدود ۴۰۰ کارگر مشغول ساختن یک شهرک مسکن است. کارفرمای این کارگاه "شرکت نفت" است. در ابتدای پروژه کارگران از بسیاری از حقوق مسلم خویش محروم بودند، اما بدینال مبارزات چندماهه توانستند بعضی از حقوق اولیه خود را بدست آورند. از جمله دستاوردهای مبارزات این کارگران تشکیل شورایی است که از همان ابتدا مورد حمایت شدید کارفرما واقع شد ولی تا امروزه حمایت خود را ادامه داده است. در خلال ۹ ماه گذشته با سطح شرکت نفت به خواستههای کارکنان این شرکت همواره وعده و وعده داده شده است. کارگران که از زندگی شرکت نفت در مورد انجام خواستههایشان به تنگ آمده بودند در اعتراض خود را ادامه دادند و در دو روز از میهنسین با نظر کارگاه از غنا سرمد کارگر میباشند به کارگاهان می گیرند. توطئه ها و تلافی های کارگاه با لایتنه ها، ما موران ژاندارمری و سایر افسران برای آزار کردن کارگران در برابر آنها و متبکبار چه کارگران بجای میسرند.

سرانجام در حضور نمایندگان استان اصفهان بدینال تمهید شرکت نفت مبنی بر پاسخ گویی به خواسته های برخی کارگران و تسریس آرائنگه شورا از کارگران نظر خواهی کرد و کارگاه آنها آزاد شدند.

توطئه اخراج کارگران "بام رو" و مقاومت آنها

بدینال مبارزات بنیگر کارگران شرکت "بام رو" آغازی در جهت بدست آوردن استعاضای تریس حقوق خود و در رابطه با توطئه های کارفرما اسک ۴۵۰ نفر آرائنگه در آستانه اخراج قرار گرفته اند.

کارفرمای ضد کارگران شرکت منظور از رسیدن به این هدف کارگران و بنیگر است. هر چه بیشتر آنان و همچنین سرکوب کارگران مبارز شرکت در تاریخ ۲۳/۳/۵۹ حکم اخراج ۲۵۰ تن از کارگران را صادر می نماید. اما مقاومت و اتحاد بنیگر کارکنان کارگران کارفرما را باعث نشدنی واداشته و محسور میکند که موفنا حکم اخراج را لغو نماید.

کارفرما و عواملش که در اجرای توطئه خود بسیار متکس می باشند به نیت در درگیری وارد شده و اعلام می کنند که میخواهند شرکت را منحل نموده و طرح آسرا به "طرح گسترش" واگذار کنند.

کارگران در برابر حمله جدید کارفرما بنظر بنیگر رجه دست به اعتصاب زده و خواستار بدست گرفتن مستقیم مور شرکت می گردند. آخرین خبرها کست که کارگران "بام رو" جهت تحقق خواسته شان با تارخ ۲۵/۴/۵۹ در اعتصاب تریس می بردند. از نتیجه این اعتصاب خبری بدست ما نرسیده است.

کمکهای مالی دریافت شده

۱۰۹۹۰۰	ک	۲۲۰۰	آ	۳۰۰۰
۲۷۵۰۰	ص	۱۰۹۰۰	الف	۵۳۰۰
۹۶۰۰	ع	۵۵۰۰۰	ب	۱۱۲۰۰
۸۵۰۰	ح	۴۰۰۰	پ	۲۵۰۰۰
۱۲۰۰۰	خ	۲۲۰۰	ت	۱۸۰۰۰
۱۱۰۰۰	ج	۴۵۰۰	ث	۱۴۰۰۰
۸۱۰۰	ف	۵۵۰۰	ج	۱۹۸۰۰
۱۰۰۰۰	م	۶۵۰۰	ح	۱۶۰۰۰
۲۲۵۰۰	م	۶۲۳۰	ج	۱۲۱۰۰
۹۰۰۰	م	۷۵۶۰	ح	۱۲۰۰۰
۱۲۸۰۰	م	۱۵۰۰۰	ح	۱۵۰۰۰
۲۸۰۰	م	۹۰۰۰	ح	۵۵۰۰
۲۸۸۰۰	م	۵۵۰۰	ح	۷۵۰۰
۵۷۵۰	ق	۸۲۰۰	ح	۶۱۰۰
۷۵۰۰	م	۲۲۷۱۰	ح	۵۱۵۰
۹۵۰۰	م	۶۱۰۰	ح	۴۱۰۰
۱۱۳۰۰	م	۶۷۰۰	ح	۱۴۰۰۰
۱۳۳۰۰	ک	۵۷۰۰	د	۳۵۰۰
۱۲۲۰۰	ن	۶۱۰۰	ح	۱۰۰۰۰
۲۸۰۰	م	۱۱۲۰۰	ح	۲۳۰۰
۳۰۰۰	م	۱۶۵۰۰	ح	۲۸۰۰
۳۲۴۰	م	۶۷۰۰	ح	۱۶۰۰
۳۰۰۰	م	۱۷۸۰۰	ح	۲۶۱۰۰
۶۰۰۰	ن	۸۳۰۰	ح	۲۷۰۰
۲۷۸۰۰	و	۳۲۷۰	ح	۳۶۲۴۰
۲۳۰۰۰	م	۲۲۷۰۰	ح	۶۰۰۰
۵۹۸۰۰	ش	۶۶۰۰	ح	۱۷۵۰۰
۱۷۸۰۰	ک	۶۸۰۰	ح	۷۰۰۰
۵۳۰۰	ج	۸۰۰۰	ح	۵۱۵۰

- ۱ - رفقای کارگروه ادرارمان در گیلان مبلغ ۲۰۰۰ و ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردند.
 - ۲ - رفقای کمیته معلمین مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 - ۳ - بدرا رحمتدرفیق شهید مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردند.
 - ۴ - رفقای هوادار زمان در محرمه (حرمشهر) مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۶

رنگبار...

نیم ساعت بعد از ختمان شهرداری بوسیله ۶ دستگاه مربوط به شهرپا نی و جدیدین تن از رنجهای شهرپا نی به همراه بدهای باندا رکها خود شیرسار حمل میگردند. به محض زده آمدن همزمان با محاصره ساختمان بقیه دکه داران خیابانهای مقد و انقلاب نیز خود را به ساختمان شهرداری رساندند. اما مامورین بدست تمام زور و آتیه به محوطه شهرداری جلوگیری کردند. تا ساعت ۸ شب هم سرور دکه داران و مردمی که بیرون از محیط شهرداری مانده بودند با شعارهای "دکه دارانما بدست میگیریم، دکه داران ریزو زانت سرما به - دارنا بیواست" و با بخش اعلامیه های متعدد از دکه داران متحصن حمایت نموده و زورگوشی رژیم را محکوم کردند. ساعت ۸/۵ بیش از ۶۰۰ مائین بنر مملو از یاداران و چند سرباز شهرپا نی وارد محوطه شهرداری شده با دادن ۲۰ دقیقه مهلت به متحصنین خواستار خروج آنها از محل شدند.

شیراندازی هوایی اتمام به معنی نمودن دکه داران و مردم از طرف شهرداری نمودند. در این صورت و حشانه یکی از دکه داران زحمتکن از محضین بنام "ترامحادی" شهید و چند تن رسمی و غیر رسمی ۲۰۰ نفر از زحمتکنان دستگیر شدند. مردم بیرون از محیط شهرداری، بدینال هربا ریزو زانت با داران بنظر موضعی عقب نشینی کرده و با وارد بنیگر با جمع خود از انتقال زحمتکنان به سایر جاهای جمهوری اسلامی جلوگیری می نمودند. اما بدست گزنت بنیگر از حد ما مورین مسلح مردم و دکه داران مبارز کار بنیگر موفق نشدند. بعد از انتقال زحمتکنان دستگیر شده به زندان. مبارزه مردم تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه داشت و با توجه به نبودن زمان بدهی، شعارهایی از قبیل "دکه دار زندانی آزاد باد" و "مرگ سرما به دار" تگوش میرسد و نظرات همچنان ادامه داشت.

آین مبارزه حق طلبانه اگر چه با شکست مواجه شد لکن چهره مردمی رژیم را بیش از پیش عریان نمود.

گروه های مختلف دکه داران به مسئله ۲۰ دقیقه مهلت از زوایای متغاضی برخورد میگردند و گروهی از آنها بدستی بدلائل عدم پشتیبانی کامل توده ها (بعلت ویژگی شرایط محل، شمال شهر و...) تا ریزک شدن هوا و تجربه ای که از برخورد های وحشیانه با داران با تخمین بنیگر از زحمتکنان داشتند، متغرض شدند و تجمع با برنامه محدود در زمان دستگیر مطرح میگردند ولی اکثریت دکه داران بدلیل عدم تجربه کافی در مورد شرایط و اشکال مختلف مقاومت در برابر ریزگان - های سرکوب رژیم مردمی و احساسات ختم انگیز خود حاضر به ترک محل نشده و می گفتند "تا روشن شدن وضعیت در شهرداری متحصن خواهیم بود".

بعد از تمام مهلت ۲۰ دقیقه ای ما موران مسلح رژیم شیراندازی را شروع کردند و همزمان با حمله به دکه داران زحمتکن متحصن با پرتاب گاز اشک آور و

رفقا!

- باتلاش هورچه بنیگر
- رایخش کنید.
- با هم امکانی که دارید بنام
- تاریخی مقالات و مطالب
- بنیگر را تکثیر و بخش
- نمایند.



یادنامه رفیق شهید مهدی علوی شوشتری

ارسان رفیق:

مهدی علوی شوشتری فرزند لبرخلی در سال ۱۳۳۳ در شهر اهواز متولد شد. زمانی که دوران طفولیت را سپری میکرد خانواده اش چندین مرتبه نبودند. وقتی که مهدی در کلاس چهارم دبستان درس میخواند، پدرش برای ادا به تحصیل در رشته پزشکی به تهران میسرود. مهدی از همان دوران کودکی علاقه عجیبی به مطالعه داشت و اولین آشنائی ذهنی و تشویق او از کتابهای صمد بهرنگی شروع میشود. مهدی تاگرد صمد میگردد. با خواندن هر یک از کتابهای صمدی آموزنده چگونه به زحماتشان نزدیک شود و به آنها عشق ورزد.

اولین تجربیات سیاسی خود را از سن ۱۴ سالگی شروع میکند و در جریان نظرات و اعتقاد شرکت و اتحاد انجمن سوسیالیستی تهران که با طرز گرامی بلیسب انجمن صورت گرفت بحرم پیش اعلامیه مورد تعقیب ساواک قرار میگیرد. بعد از آن در سال ۵۰ که مصادف با بزرگاری جشنهای منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی است، قبل از شروع جشنها همراه عده ای دیگر از افرادی که مورد ترس و وحشت رژیم بودند، دستگیر میشوند و حدود ۸ ماه در زندان بسر میبرند.

بعد از فارغ التحصیل شدن پدرش دوباره به شهر اهواز باز میگردد. ولی این بار مهدی با روحیه ای تازه و با دیدی تازه زندگی میگذرد. خودش برقرار از تحریک و فعالیت است. در دبیرستان بزرگمهر اهواز ادامه تحصیل میدهد. از کارهایی که در دبیرستان انجام میدهد، سروسا مان دادن به وضع متروک و بیلا - استغاده کتابخانه دبیرستان است. فعالیت زیاد میتواند تریسباز خوبی در محیط دبیرستان روی نگردان بگذارد. رفیق مهدی از تعداد دانشگرددان انگشت شماری بود که استعداد فوق العاده ای در یاد ریاضی همه چیز داشت و بی اغراق یکی از مغزهای ریاضی بود. در دبیرستان شوالائی میگردد که دبیران از جواب دادن به آن عاجز بودند. هوش فوق العاده او دبیران را متحیر میکرد. با توجه به این امتیازات که داشت، مورد علاقه تمام کسانی بود که با او آشنائی داشتند. در دوران دبیرستان موفق به باخس فرستنده ای شد. به جرات میتوان گفت مهدی آنچه را که اراده میکرد میتوانست انجام دهد.

در همین سالهاست که تصمیم میگردد از رابطه خویشاوندی محل مناسبی درست کرده کار را با آنها بصورت محفل های فامیلی شروع کند. در این محفلها مسائل اجتماعی را تجزیه و تحلیل میکرد و جوانان فامیلی را به خواندن و بازم خواندن کتابها تشویق میکرد. در سرش بود تشویق مینمود که سبب شد تعداد زیادی از جوانان را بیدار کرده و با مسائل سیاسی آشنا نماید.

رسمی مهدی در سال ۵۲ که محاکمه کلسرخی و دانشان شروع می شود، نمیتواند آزارا مگردد. با بمردی رینا و مت این دو فرزند لبرخلی و دفاع آسان از زحماتشان در سدا دکانهای شاه جلا تا نوعی روی او متکد ارد با واک اوراد در حین اعلامیه معما سبب اعدا می شود. بعد از آنجا دستگیر میگردد. با توجه به خصلت های که در مهدی داشت، اربط ساواک ساخته



شده بود و ساواک مترصد فرصتی بود که او را دستگیر کند. ولی رفیق مهدی نواست با زرنگی شما آنها را فریب دهد و در نتیجه بیشتر از دو ماه در زندان نشود و آزادند. در فروردین ماه ۵۳ با لورفتن یک محفل دانشجویی که رفیق مهدی با آن در ارتباط بود، دستگیر میشود و اینبار ساواک خوشحالتر از دفعه پیش بحال خاموشی نگاه را بداند انداخته است. این بار رفیق مهدی سه سال حبس محکوم میشود که دو سال آنرا در زندان اهواز بسر میبرد. در زندان رفتارش طوری بود که تمام زندانیان عادی او را دوست داشتند. در اهواز اولین کسانی بود که در برابر سرشی چریکی غیرتورده ای، موضع

فاطمی داشت. همیشه میگفت: "با کار سیاسی - تکنیکالی و تکیه بر توده ها میتوان به پیروزی رسید". بکمال آفر حس را در زندانهای تهران بسر برد. پس از آزادی چون به زبان انگلیسی تسلط کامل داشت به تدریس زبان پرداخت و بکمال بعد برای ادا به تحصیل به آمریکا رفت. در آنجا در دانشگاه کلمبوس به تحصیل پرداخت که آنجا نیز استادانش از هوش و استعداد فوق العاده او تعجب میکردند و او را یکی از مغزهای ریاضی می - دانستند. شروع تحصیل او مصادف بود با واجبگری مبارزات مردم قهرمان ایران علیه رژیم سفک و مرتجع شاهنشاهی، او مرتب از مواقع و احوال و خبرها آشنائی که در ایران میگذشت با اطلاع بود و آنها را در مسائل میگردد و مترصد بود که هر چه زودتر به ایران بازگردد. بعد از قیام خونین، بیستم ماه ۵۷ دیگر نتوانست بیشتر از این بدوری از وطن را تحمل کند. عشق به توده ها و همراه آنان بودن و شریک بودن در مبارزاتشان او را به وطن کشاند و حتی دوستان خود را بدعوت به آمدن به ایران میبرد. چنانکه در نامه ای برای یکی از آنها نوشت: "تمیدانم چکار میکنی و در باره اوضاع و احوال جدید چه فکری میکنی و حالام تا به حد مصمم هستی که انگلیس بمانی؟ من هم در اینجا با همان تفا درونی همبستگی رو برو هستم. از یکطرف رفتن از اینجا میدانم برایم هیچ چیزی بهرمان نخواهد و در دو طرف دیگر مانند در اینجا در این شرایط کار آسانی نیست ولی اینترا میدانم که برای من و بسیار رگسان مانند من رفتن، برگ است. و مانند شاه بدزدگی، هر چند که این زندگی مظلومی از سببوا میدخواهد بود ولی میتوان مطمئن بود که این جو بیاری که در آن به صید نشسته ای به

بسمه تعالی
کارم، همزمان با دوست دارم. افسوس که
این رفیق که شش ماه (فلا محسن صلی)
ادام می کند. در این صورت از آن
مفردم که برای مردم صدمه و راجع
توضیح دهید و به آنها بگوئید که تا کوز
برایم و فادام مانند چون فکر کنم
رازم درست بود و فعالیت را خودم
هیچ گاهی نمی بینم بجز اینکه طرفدار
نرمگفتن هستم. امید دارم را ببخشید
فرزندتان، مگر
۱۳/۲/۵۹

است ۱۳ آذر ۵۹ است دست نه دانه سر زخم
مکتوب فرزند برد. کز کسی این نامه را پیدا کند
زانش حق کند آزادی آدرین اهواز - خابان
سرش - هرات ۳ طب دکتر علوی برهه
شکرتم مهدی علوی
آنها جان و دانه جان زان نام در کوز
جنت است. با سدران می را با بوسم
با آنکه تیغ خن بر آن نندام و با جلا صلی
ناراسته (م کز نام) ولی امید دارم مرا ببخشید
بمخسود و او را در این صدمه، لاله دهن حال
و دل و زرد و رخ و رض دهن را زرد

سلام!
بچه ها در آنجا حالشان چگونه است؟ بسیارم رندم. شوام شده
من صاحب آرا یک کاری داشته باشم. فردا ملاقات است. افسوس که
نامه میدهند. بعدا تا فردا خدا حافظ.
به سلام کارم
مهدی علوی
درد بر تمامی شهیدای بخون خفته خنیش و انشجویان انقلابی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

